



لقمه‌های حرام

مؤلف: سید حسن موسوی خراسانی

چاپ دوم-۱۳۸۹

مقدمه

مکتبی را که ما در آن درس خوانده و در فضای آن نفس می‌کشیم یعنی همان مکتب حیاتبخش و انسان ساز اسلام است که هم قانون دارد و هم الگو؛ هم طرح دارد و هم عمل؛ هم زندگی خوب دنیوی دارد و هم عزت و رفاه اخروی. برای ما در این مکتب مرزی بین کار حلال و حرام؛ سخن حلال و حرام؛ فکر حلال و حرام و خوردن و آشامیدن حلال و حرام کشیده شده است و به یقین اگر از این مرز خدائی تجاوز کنیم عواقب سوء آن هم در دنیا و هم در آخرت دامن‌گیر ما می‌شود.

از جمله این حدّ و مرزها مرز بین لقمه‌ی حلال و لقمه‌ی حرام است. مجموعه‌ای که پیش روی شماست

شامل موضوعاتی است که در کتب فقهی و اخلاقی از آنها بحث شده و خطر آثار سوء آنها گوشزد گردیده است.

آری! کتاب حاضر «لقمه‌های حرام» در حقیقت آثار غذای حرام در روح و جان افراد را متذکر شده و با ذکر آیات و روایات ما را از این بلیه بزرگ که قسمتی از آن هم اکنون دامن جامعه را گرفته و آثارش را به وضوح می‌بینیم، بر حذر می‌دارد، باشد که بخوانیم و از آنجا که سخن و رهنمود اولیاء خداست در دل و جان ما اثر کند و ما را اگر خوشه چین خرمن معارف اهل بیت (علیهم‌السلام) و علماء راستین دین هستیم از این نوشتن نصیبی باشد، ان شاء الله.

سید حسن موسوی خراسانی

ذیقعدة الحرام ۱۴۳۷ قمری

مردادماه ۱۳۹۵ شمسی

لقمه‌ی حرام و آثار آن

سخن درباره‌ی لقمه‌ی حرام و اثرات آن است و ما طبق شیوه‌ی خود ابتدا از آیات قرآنی و سپس روایات اهل بیت علیهم‌السلام و احکام فقهی مربوط به آن استفاده خواهیم کرد، باشد که جامعه‌ی اسلامی از لوث وجود آن پاک شده و نسلی پاک تحویل جامعه دهد. جامعه‌ی دینی باید بداند همانگونه که کار حرام بازتابی در سرنوشت امروز و فردای آدمی دارد لقمه‌ی حرام نیز از این قبیل است و اثرات مسموم خود را می‌گذارد.

آری! همچنان که اگر لقمه‌ای به سم مهلک آلوده باشد یا انسان را مریض می‌کند و یا او را می‌کشد، حرام نیز سم مهلکی است که چه بخواهیم چه نخواهیم اثرات مخرب خود را خواهد داشت و در تاریخ بسیار دیده شده که حرام خوارانی حرام خورده‌اند و نسلی حرام نیز تحویل جامعه بعد از خود داده‌اند. البته لقمه‌ی حرام به عنوان موضوع خاصی در کتب

مطرح نشده، بلکه موضوعاتی از قبیل: ربا، معاملات باطل، رشوه، غش در معامله و امثال اینها مورد بحث واقع شده که چنین اعمالی به دلیل بطلانشان موجب ایجاد لقمه‌ی حرام می‌شوند و ما نیز در اطراف این موضوعات بحث می‌کنیم.

لقمه‌ی حرام در قرآن

قال الله الحكيم: «وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُم بَيْنَكُم بِالْبَاطِلِ»^۱

اموال خویش را بین خود به باطل و حرام آلوده نکرده و نخورید.

در تفسیر این آیه گفته‌اند: منظور از اکل؛ أخذ یعنی گرفتن است و مال را نیز بدان دلیل مال نامیده‌اند که از میل می‌آید زیرا دل به مال و منال میل دارد، و مقصود از باطل چیزی است که در مقابل حق قرار دارد، و حق نیز امری است که با دلیل ثابت شده است.

مال حرام و عبادت

در مورد عبادات گفته‌اند: باید شخص عبادت کننده از مال حرام اجتناب کند.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «مَنْ أَكَلَ لُقْمَةً حَرَامًا لَمْ تُقْبَلْ لَهُ صَلَاةٌ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً»^۱

کسی که لقمه‌ای از حرام بخورد تا چهل شب نمازش قبول نیست.

در حدیثی دیگر آمده است که: عبادت کسی که مالی از حرام را به دست آورده و در راه حج یا عمره یا صلۀ رحم صرف کند این اعمال از او پذیرفته نیست، و در نهایت از رسول خدا ﷺ نقل شده است که: عبادت با خوردن مال حرام مانند ساختمان سازی بر روی ریگ روان یا بر روی آب است! یعنی این بنای عبادت او پا نمی‌گیرد.

می‌گویند: رسول خدا ﷺ وارد مسجد شد و از صفوف نماز چند نفر رابلند کرده از مسجد بیرون کرد، عرض کردند: چرا چنین کردید؟ فرمود: اینان زکات مال خود را نداده‌اند.

بهشت بر حرامخوار حرام است

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «إِنَّ اللَّهَ حَرَّمَ الْجَنَّةَ أَنْ يَدْخُلَهَا جَسَدٌ عُذِّي بِحَرَامٍ»^۱

همانا خداوند بهشت را حرام کرده است بر بدنی که با حرام تغذیه شود.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «لَا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ مَنْ نَبَتَ لَحْمَهُ مِنَ السُّحْتِ»^۲

داخل بهشت نمی‌شود کسی که گوشت بدنش از حرام روییده باشد.

۱ (مجموعه ورام جلد ۱ صفحه ۶۱)

۲ (همان)

لقمه‌ی حرام و لعنت ملائکه

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «إِذَا وَقَعَتِ اللَّقْمَةُ مِنْ حَرَامٍ فِي جَوْفِ الْعَبْدِ لَعَنَهُ كُلُّ مَلَكٍ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ»^۱

هنگامی که لقمه‌ای از حرام در دهان بنده‌ای قرار گرفت تمام ملائکه در آسمان‌ها و زمین بر او لعنت می‌فرستند.

مال حرام، سیاهی و تباهی دل

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «يَا عَلِيُّ! مَنْ أَكَلَ الْحَرَامَ سُودَّ قَلْبُهُ وَخُلِفَ دِينُهُ وَضَعُفَتْ نَفْسُهُ وَحَجَبَ اللَّهُ دَعْوَتَهُ وَقَلَّتْ عِبَادَتُهُ»

ای علی! کسی که حرام بخورد سیاهی دل و تخلف دینی و ضعف نفس و مستجاب نشدن دعا و کمی عبادتش را در پی خواهد داشت.

و به همین دلیل است که گفته‌اند: لقمه‌ای از حرام تا مدت‌چهل روز قبولی عبادت را به تأخیر می‌اندازد.

حقی که شکم بر صاحبش دارد

قال السَّجَّادُ عليه السلام: «وَأَمَّا حَقُّ بَطْنِكَ فَأَنْ لَا تَجْعَلَهُ وِعَاءَ لِقَلِيلٍ
مِنَ الْحَرَامِ وَلَا لِكَثِيرٍ»^۱

و اما حق شکم این است که آن را ظرف کم یا زیاد از مال حرام قرار ندهی.

پاداش چشم پوشی از مال حرام

رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله فرمود: اگر از خوف خدا از مال حرامی که به دستش می‌رسد، درگذرد خداوند بهتر از آن را در عوض در همین دنیا به او عطا می‌کند
درباره‌ی ترک لقمه‌ی حرام گفته‌اند: ترک کردن یک لقمه از حرام در پیشگاه خدا محبوب‌تر است از دو هزار رکعت نماز مستحبی.

مصادیق مال حرام

مال یتیم

خوردن مال یتیم از لقمه‌های حرامی است که همه کسانی که به معارف اسلام آشنایی دارند آن را می‌دانند. یتیم کسی است که سرپرست و ولی خویش را از دست داده و نیاز به جبران محبت و لطف از سوی مردم دارد حال اگر کسی حاضر شود که به جای محبت و دلجویی مال او را بخورد، از دید خدا و خلق خدا، خوار و ذلیل است.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «شَرُّ الْمَأْكَلِ أَكْلُ مَالِ الْيَتِيمِ»^۱

بدترین لقمه‌ها خوردن مال یتیم است.

در جامعه اسلامی ظلم به همه کس بد است و ظلم کردن نسبت به یتیم بدتر، زیرا او کسی را ندارد که از او دفاع کند و

اگر مظلوم واقع شد آهی دردناک خواهد کشید و خدای او فریادرس او می‌باشد.

آه دل مظلوم به سوهان ماند

گر خود نبرد، برنده را تیز کند

قَالَ الزَّهْرَاءُ: «فَرَضَ اللَّهُ مُجَابَنَةَ أَكْلِ أَمْوَالِ الْيَتَامَى إِجَارَةً مِنَ الظُّلْمِ»^۱

خداوند دوری از اموال یتیمان را واجب فرموده برای کناره گیری و اجتناب از ظلم.

مال یتیم در قرآن

قال الله تعالى: «وَأَتُوا الْيَتَامَى أَمْوَالَهُمْ وَلَا تَتَبَدَّلُوا الْخَبِيثَ بِالطَّيِّبِ وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَهُمْ إِلَى أَمْوَالِكُمْ إِنَّهُ كَانَ حُوبًا كَبِيرًا»^۲

۱ (بحار الانوار جلد ۷۶ صفحه ۲۶۸)

۲ (نساء ۲)

و اموال یتیمان را (هنگامی که به رشد رسیدند) به آنها بدهید و اموال بد(خود) را با اموال خوب (یتیمان) تبدیل نکنید، و اموال آنها را با اموال خودتان (بوسیله مخلوط کردن یا تبدیل نمودن) نخورید زیرا این گناه بزرگی است.

شأن نزول آیه چنین است: شخصی از قبیله بنی غطفان برادر ثروتمندی داشت که از دنیا رفت. او به عنوان سرپرستی از یتیمان برادر، اموال او را به تصرف درآورد و هنگامی که برادرزاده‌اش به حد رشد رسید از دادن حق او امتناع ورزید. موضوع را به پیامبر عرض کردند، این آیه نازل شد، آنگاه او گفت: *أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الْحُوبِ الْكَبِيرِ*، یعنی به خدا پناه می‌برم از اینکه آلوده به گناه بزرگی شوم.

در این آیه سه دستور را مشاهده می‌کنیم:

۱- اموال یتیمان را وقتی به رشد رسیدند به آنها بدهید:

«وَأَتُوا الْيَتَامَىٰ أَمْوَالَهُمْ»

۲- اموال یتیمان را با اموال ناپاک خود مخلوط نکنید:

«وَلَا تَتَّبِعُوا الْخَبِيثَاتِ بِالطَّيِّبِ»

۳- اموال یتیمان را با اموال خودتان نخورید:

«وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَهُمْ إِلَى أَمْوَالِكُمْ»

لحن شدید آیات قرآن در مورد اموال یتیمان به قدری در قلوب مسلمانان مؤثر واقع شد که حتی می‌ترسیدند غذای مشترکی برای خودشان و یتیمان درست کنند. به همین جهت غذای آنها را از غذای خود و فرزندان خویش جدا می‌ساختند و این امر موجب ناراحتی هر دو طرف می‌شد، لذا در آیه ۲۲۰ سوره بقره به آنها دستور داده شد که اگر هدفشان از مخلوط ساختن اموال یا غذای یتیمان با اموال و غذای خود از روی خیرخواهی و اصلاح بوده باشد، مانعی ندارد.

«وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الْيَتَامَىٰ قُلْ إِصْلَاحٌ لَهُمْ خَيْرٌ وَإِنَّ

مُخَالِفُوا لَهُمْ فَاَنْحُوا كُمْ»

و از تو دربارهٔ یتیمان سؤال می‌کنند، بگو اصلاح کار آنها بهتر است و اگر زندگی خود را با زندگی آنان بیامیزید مانعی ندارد چرا که آنان برادران دینی شما هستند.

به مال یتیم نزدیک نشوید:

«وَلَا تَقْرَبُوا مَالَ الْيَتِيمِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ حَتَّىٰ يَبْلُغَ أَشُدَّهُ»^۱

در بین چند دستوری که در سورهٔ مبارکهٔ اسراء آمده از بسیاری از بدی‌ها نهی کرده است مانند: قتل اولاد، زنا و قتل نفس. پس از آن می‌فرماید:

به مال یتیم نزدیک نشوید مگر به طریقی پسندیده که به صلاح آنان باشد تا زمانی که آنها بزرگ شده و به رشد برسند. در این فراز قرآن نه تنها نهی از خوردن مال یتیم فرموده بلکه می‌فرماید: برای اموال یتیمان حریم نگه دارید و نزدیک آن نشوید مگر...

خوردن مال یتیم آتش است:

«إِنَّ الَّذِينَ يَأْكُلُونَ أَمْوَالَ الْيَتَامَىٰ ظُلْمًا إِنَّمَا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ

ناراً»^۱

کسانی که اموال یتیمان را از روی ظلم می‌خورند باید بدانند که این آتشی است که در شکم آنها قرار می‌گیرد. تعبیر «خوردن آتش» فقط در یک جای دیگر از قرآن مجید آمده است و آن هم در مورد کتمان آیات خدا و تحریف نشانه‌های خداست. این تعبیر قرآن برای نشان دادن چهره واقعی اعمال می‌باشد و آن کسانی که به گناه نزدیک نمی‌شوند، همانا افرادی هستند که همان چهره باطنی عمل را می‌بینند.

شما تصور کنید اگر در هنگام برداشتن یک لقمه از مال حرام و مال یتیم انسان تصورش این باشد که قاشق خودش

۱ (نساء ۱۰)

را پر از آتش کرده می‌خواهد به دهان بگذارد، چه می‌کند؟
اولیاء الهی در برخورد با گناهان بطور عام چنین تصویری و
در خصوص مال یتیم نیز چنین یقینی داشته‌اند، لذا به گرد
گناه و مال حرام نمی‌رفتند.

از امام صادق علیه السلام پرسیدند که این مجازات آتش درباره
چه مقدار از غضب مال یتیم است؟ فرمود: دو درهم.

رشوه

یا مبارزه با عدالت اجتماعی

قال الله الحكيم: «وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ وَتُدْلُوا بِهَا إِلَى الْحُكَّامِ لِتَأْكُلُوا فَرِيقًا مِنْ أَمْوَالِ النَّاسِ بِالْإِثْمِ وَأَنْتُمْ تَعَاْمُونَ»^۱

مال یکدیگر را به ناحق نخورید و برای خوردن قسمتی از اموال مردم به گناه (قسمتی از) آن را به قضات ندهید، در حالی که می‌دانید.

در این آیه دو نهی از سوی خداوند آمده است:

نهی از خوردن مال مردم و دیگری دادن رشوه است.

رشوه یا رشوه یا رشوه در لغت به معنای مدارا و کمک

کردن است، رَأَشَى مُرَاءَةً: با او مدارا کرد و کمکش کرد.

رشوه در روایات

در مذمت این عمل زشت احادیثی داریم از قبیل این که:

امام صادق علیه السلام فرمود:

«وَأَمَّا الرَّشَاءُ فِي الْحُكْمِ فَهِيَ الْكُفْرُ بِاللَّهِ الْعَظِيمِ»^۱

رشوه در قضاوت، کفر به خداوند بزرگ است.

در روایتی دیگر همه شرکاء در رشوه مورد لعن قرار گرفته‌اند:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «لَعَنَ اللَّهُ الرَّائِيَّ وَالْمُرْتَشِيَّ وَالْمَائِسِيَّ

بَيْنَهُمَا»^۲

خداوند گیرنده و دهنده رشوه و آن کس که واسطه میان

آن دو است را از رحمت خود دور می‌گرداند.

رشوه، گناه کبیره:

رشوه باعث تعطیلی حق، تعطیلی عدالت، حاکمیت افراد

۱ (وسائل الشیعه، جلد ۱۷، صفحه ۹۲)

۲ (بحار الأنوار، جلد ۱۰۱، صفحه ۲۷۴)

سرمایه دار و پایمال شدن حقوق مستمندان می‌شود و از دیرباز هم بلای جامعه بشری بوده و اکنون نیز هست. قوانین در اصل باید حافظ حقوق طبقات جامعه و دستگیری از اقشار محروم باشد، لکن با رشوه این مهم متزلزل شده و حق به حق‌دار نخواهد رسید و به همین دلیل است که در اسلام از گناه رشوه، به نام گناه کبیره نام برده شده است.

رشوه توجیه بردار نیست:

بسیاری می‌خواهند در زیر لوای واژه‌های از قبیل: هدیه، حق حساب، حق الزحمه، تعارف، شیرینی، انعام، قدردانی و امثال اینها کار باطل خود را مجاز و حق جلوه دهند، لکن باید دانست که با تغییر اسم، مسمی عوض نمی‌شود.

داستان اشعث

اشعث بن قیس برای پیروزی بر طرف دعوایش شبانه ظرفی از حلوی لذیذ برای علی (علیه السلام) بر در خانه آن حضرت

آورد و با نام هدیه خواست به حضرت رشوه بدهد، حضرت با لحنی بسیار سخت با او برخورد کرد که اولین جمله‌اش چنین است:

«هَيْبَتَكَ الْهَبُولُ أَعَنْ دِينَ اللَّهِ أَتَيْتَنِي لِتُحَدِّعَنِي... وَاللَّهِ لَوْ
أَعْطَيْتُ الْأَقَالِيمَ السَّبْعَةَ بِمَا تَحْتُ أَفْلَاكَهَا عَلَى أَنْ أَعْصِيَ اللَّهَ فِي
نَمَلَةٍ»^۱

عزاداران در عزایت اشک بریزند! آیا با این عنوان آمده‌ای که مرا فریب دهی و از آئین حق بازداری؟ به خدا سوگند اگر هفت اقلیم را با آنچه در زیر آسمان‌هاست به من بدهند که پوست جوی از دهان مورچه‌ای به ظلم بگیرم هرگز چنین نخواهم کرد. دنیای شما از برگ جویده‌ای در دهان ملخ برای من کم ارزش‌تر است، علی را با نعمت‌های فانی و لذت‌های زودگذر چه کار؟!.

و نیز رسول خدا ﷺ به یکی از فرماندارهایش که رشوه را به اسم هدیه گرفته بود با عصبانیت فرمود:

«كَيْفَ تَأْخُذُ مَا لَيْسَ لَكَ بِالْحَقِّ»

چرا آنچه که حق تو نیست می‌گیری؟
فرماندار با معذرت‌خواهی گفت:

«لَقَدْ كَانَتْ هَدِيَّةً يَأْتِي رَسُولُ اللَّهِ»

آنچه که گرفتم هدیه بود ای رسول خدا!
حضرت فرمود:

«أَرَأَيْتَ لَوْ قَعَدَ أَحَدُكُمْ فِي دَارِهِ وَلَمْ يُؤَلِّهِ عَمَلًا أَكَانَ النَّاسُ

يَهْدُونَهُ سَيِّئًا»

اگر شما در خانه بنشینید و از طرف ما فرماندار محلی

نباشید آیا مردم به شما هدیه می‌دهند؟

سپس دستور داد هدیه را گرفتند و در بیت المال قرار دادند و او را از کار برکنار کرد.^۱

رشوه لقمه‌ای حرام:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «مِنَ السُّحْتِ ثَمَنُ الْمَيْتَةِ وَثَمَنُ الْكَلْبِ وَ ثَمَنُ الْخَمْرِ وَمَهْرُ الزَّانِيَةِ وَالرِّشْوَةُ فِي الْحُكْمِ وَأَجْرُ الْكَاهِنِ»^۲

از جمله حرام‌ها بهای فروش مردار و قیمت سگ و پول بدست آمده از فروش شراب و مهریه زنا دهنده و رشوه و مزد کاهن و جادوگران است.

قال علي بن ابي طالب في قوله تعالى: «أَكَلُونَ لِلسُّحْتِ»^۳

«هُوَ الرَّجُلُ يَقْضِي لِأَخِيهِ الْمَاجَةَ ثُمَّ يَقْبَلُ هَدِيَّتَهُ»^۴

۱ (الإمام علي عليه السلام جلد ۱ صفحه ۱۵۵)

۲ (بحار الانوار جلد ۷۴ صفحه ۵۴)

۳ (مائده ۴۲)

۴ (بحار الانوار جلد ۱۰۱ صفحه ۲۷۳)

امام علی (علیه السلام) درباره قول پروردگار تعالی که فرموده: «خوردگان حرام» فرمود: منظور کسی است که کاری را برای برادر دینی اش انجام دهد و از او به خاطر آن کار هدیه (شیرینی) بگیرد.

رشوه هم طراز کفر

قال الصادق (عليه السلام): «فَأَمَّا الرِّشْوَةُ يَا عَمَّارُ فِي الْأَحْكَامِ فَإِنَّ ذَلِكَ الْكُفْرُ بِاللَّهِ الْعَظِيمِ وَرَسُولِهِ»^۱

ای عمار! رشوه در احکام کفر به خدا و رسول است.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «إِيَّاكُمْ وَالرِّشْوَةَ فَإِنَّهَا مَحْضُ الْكُفْرِ وَلَا يَسْمُرُ صَاحِبُ الرِّشْوَةِ رِيحَ الْجَنَّةِ»^۲

اجتناب کنید از رشوه! زیرا که آن عین کفر است و

صاحب رشوه بوی بهشت را استشمام نمی‌کند.

۱ (معانی الأخبار صفحه ۲۱۱)

۲ (سفینه البحار جلد ۱ صفحه ۵۲۳)

آتش سزای رشوه

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ «كُلُّ لَحْمٍ أَنْبَتَهُ السُّحْتُ فَالنَّارُ أَوْلَىٰ بِهِ، قِيلَ: وَمَا السُّحْتُ؟ قَالَ: الرِّشْوَةُ فِي الْحُكْمِ»^۱

رسول خدا ﷺ فرمود: هر گوشتی را مال حرام برویاند، آتش بر آن سزاوارتر است.

پرسیدند: منظور از مال حرام در اینجا چیست؟
فرمود: رشوه در حکم.

رُعب و وحشت نتیجه رواج رشوه:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «مَا مِنْ قَوْمٍ يَطْهَرُ فِيهِمُ الرُّشَا، إِلَّا أُخِذُوا بِالرُّعْبِ»^۲

هیچ جمعیتی نیست که در میانشان رشوه گرفتن ظاهر شود جز اینکه به ترس و وحشت مبتلا می‌شوند.

۱ (کنز العمال حدیث ۱۵۱۰۶)

۲ (نهج الفصاحه حدیث ۲۶۹۳)

شراب

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «الْخَمْرُ أُمُّ الْفَوَاحِشِ وَأَكْبَرُ الْكَبَائِرِ»^۱

دو واژه شراب و قمار که در قرآن مجید هم غالباً با یکدیگر بیان می‌شوند از جمله مفاسدی هستند که مایه بسیاری از فسادهای دیگر می‌باشند. قرآن و حدیث و منطق عقل و تمامی پزشکان عاقل و دانشمندان جهان با استدلال‌هایی علمی از این دو عمل شنیع منع کرده‌اند و ما در اینجا بنای مان این است که با استفاده از کتاب و سنت و سخن دانشمندان و نیز با زبان آمار در این خصوص به بحث پردازیم.

خمر در لغت یعنی پنهان کردن

خَمَرَتْ خَمْرًا؛ پنهانش کرد. خَمَرَ الشَّهَادَةَ؛ شهادت را

کتمان کرد.

و بدان دلیل که چادر بدن زن را می‌پوشاند به آن خمار

۱ (نهج الفصاحه حدیث ۱۵۴۵)

می‌گویند و به مناسبت اینکه شراب پرده‌ای بر روی عقل انسان می‌کشد و آن را مخفی می‌نماید، به آن خمر گفته می‌شود.

شراب از نظر قرآن

«يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ قُلْ فِيهِمَا إِثْمٌ كَبِيرٌ»^۱

از تو درباره شراب و قمار می‌پرسند، بگو در این دو گناهی بزرگ است.

در این آیه و آیات دیگری از سوره مبارکه مائده پیرامون شراب و قمار تذکراتی داده شده و مفسرین محترم در تفسیر آنها داد سخن داده‌اند.

در جریان نزول این آیه گفته‌اند که جمعی از اصحاب به محضر رسول خدا ﷺ آمدند و گفتند: حکم شراب و قمار که عقل را زایل و مال را تباه می‌کند را بیان فرمایید. در این هنگام این آیه نازل شد

۱ (سوره بقره آیه ۲۱۹)

«يَسْتَلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ قُلْ فِيهِمَا إِثْمٌ كَبِيرٌ»

خمر در لغت به چیزی که چیز دیگری را می‌پوشاند اطلاق می‌شود و اصطلاحاً به مایع مسکر یعنی مست کننده گفته می‌شود خواه آن مایع از انگور یا خرما یا جو یا چیز دیگری گرفته شده باشد. البته لحن این آیه برای تحریم شراب لحن نرم و آمیخته به نرمشی است.

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنْصَابُ وَ

الْأَزْلَامُ رِجْسٌ مِّنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ»^۱

ای کسانی که ایمان آورده اید! شراب و قمار و بت‌ها و ازلام (که یک نوع بخت آزمایی بوده) پلیدند و از اعمال شیطان هستند، از آنها دوری کنید تا رستگار شوید.

درباره داستان نزول این آیه گفته‌اند: سعد بن وقاص

گفت: این آیه درباره من نازل شد، بدین صورت که مردی از

۱ (سوره مائده آیه ۹۰)

انصار غذایی تهیه کرده بود و ما را دعوت کرد. جمعی در مجلس میهمانی او شرکت کردند. علاوه بر صرف غذا شراب نوشیدند و این قبل از تحریم شراب در اسلام بود. هنگامی که مغز آنها از شراب گرم شد شروع به ذکر افتخارات خود کردند و کم کم کار بالا گرفت و به اینجا رسید که یکی از آنها استخوان شتری را برداشت و بر بینی من کوبید و آن را شکافت. من خدمت پیامبر ﷺ رسیدم و این جریان را عرض کردم در این موقع آیه فوق نازل شد.

داستانی دیگر نیز در مورد نزول این آیه نقل شده است. شیعه و سنی روایتی را نقل کرده‌اند که عمر-خلیفه دوم- علاقه فراوانی به شراب داشت و همواره دعا می‌کرد که خدایا بیان روشنی درباره شراب بفرما و وقتی که آیه سوره بقره «يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ...» نازل شد، پیامبر آن آیه را برای او قرائت کرد و او باز به دعای خود ادامه می‌داد و می‌گفت:

خدایا بیان روشن‌تری در این زمینه بفرما، تا اینکه آیهٔ سورهٔ نساء آمد که:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْرُبُوا الصَّلَاةَ وَأَنْتُمْ سُكَارَىٰ»^۱

نزدیک نماز نشوید در حالی که مست هستید.

نازل شد و پیامبر آن را نیز برای او قرائت کرد. ولی او باز هم به دعای خویش ادامه می‌داد و می‌گفت: خدایا بیان روشن‌تری بفرما! تا اینکه این آیهٔ مورد بحث از سورهٔ مائده نازل شد.

هنگامی که پیامبر این آیه را برای او خواند گفت:

انْتَهَيْنَا، انْتَهَيْنَا، یعنی از نوشیدن شراب خودداری می‌کنیم،

خودداری می‌کنیم.^۲

۱ (نساء ۴۳)

۲ (تفسیر المنار جلد ۷ صفحه ۵۰)

حکم قطعی ولی تدریجی:

نوشیدن شراب و میگساری در جاهلیت به شدت رواج داشت که به قول یکی از مورخان، عشق عرب در سه چیز خلاصه می‌شود: شعر، شراب و جنگ به طوری که پس از نزول حکم حرمت شراب، عده‌ای از مسلمانان گفتند: هیچ حکمی بر ما سنگین‌تر از تحریم شراب نبود، و طبیعی است که در چنین شرایطی حکمی به صورت دفعی و قطعی بر ممنوعیت شراب مصلحت نبود. در قرآن آیاتی را به صورت تدریجی که اولاً دلالت بر مذمت شراب و سپس مقایسهٔ منافع و ضررهای آن و بعد از آن پلیدی آن به تدریج بیان شده‌اند که لحن آیات را بدین صورت می‌توان به ترتیب ذکر کرد:

۱- رزق ناپسند

«وَمِنْ ثَمَرَاتِ النَّخِيلِ وَالْأَعْنَابِ تَتَّخِذُونَ مِنْهُ سَكَرًا وَرِزْقًا حَسَنًا»^۱

از میوه‌های نخل و انگور، مسکرات و روزی‌های پاکیزه تهیه می‌کنید.

که در این آیه شریفه در مقابل رزق حسن یعنی روزی پاکیزه «سکراً» قرار گرفته است و به معنی رزق غیر پسندیده می‌باشد.

۲- گناهی بزرگتر

«قُلْ فِيهِمَا إِثْمٌ كَبِيرٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ وَإِثْمُهُمَا أَكْبَرُ مِن نَّفْعِهِمَا»^۱

در آیه اشاره به منافع اقتصادی شراب شده است ولی فرموده است: خطراتی که به واسطه آن دامن جامعه را می‌گیرد به مراتب بیشتر از منافع آن می‌باشد و این لحن آرام و نرمی است جهت جلوگیری از این بلیه بزرگ اجتماعی.

۳- نماز در حال مستی ممنوع

«لَا تَقْرُبُوا الصَّلَاةَ وَأَنْتُمْ سُكَارَى حَتَّى تَعْلَمُوا مَا تَقُولُونَ»^۲

۱ (بقره ۲۱۹)

۲ (نساء ۴۳)

به مسلمانان صریح دستور داده شده که در حال مستی هرگز نماز نخوانند، تا بدانند با خدای خود چه می‌گویند.

۴- شیطان تصمیم ایجاد عدالت دارد

«إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقِعَ بَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ فِي الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ وَيَصُدَّكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَعَنِ الصَّلَاةِ»^۱

شیطان می‌خواهد از طریق شراب و قمار در میان شما تخم عداوت و دشمنی بپاشد و از نماز و ذکر خدا بازدارد.

۵- چون پلیدی است پس ممنوع می‌باشد

«إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنْصَابُ وَالْأَزْلَامُ رِجْسٌ مِنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ»^۲

شراب و قمار و بت پرستی و ازالام (یک نوع بخت آزمایی) همگی به عنوان رجس و پلیدی شمرده شده‌اند و

۱ (مائده ۹۱)

۲ (مائده ۹۰)

حکم اجتناب از آنها به صراحت صادر شده است که از آنها اجتناب کنید.

۶- شرط بلاغ

در ادامه آیات منع شراب، تهدید واقعی می‌فرماید که:

«فَإِنْ تَوَلَّيْتُمْ فَأَعْلَمُوا أَنَّمَا عَلَيَّ رَسُولَاتُ الْبَلَاغِ الْمُبِينِ»^۱

اگر اطاعت از قرآن خدا نکنید (مستحق کیفر خواهید

شد) و پیامبر وظیفه‌ای جز ابلاغ آشکار ندارد.

نکته

در سوره مبارکه نساء می‌فرماید:

«لَا تَقْرَبُوا الصَّلَاةَ وَأَنْتُمْ سُكَارَى»

در حالت مستی به نماز نزدیک نشوید تا آنکه بدانید چه

می‌گوئید.

در حقیقت معنایش این است که شراب کلاً ممنوع است،

زیرا در آن زمان نمازهای پنجگانه را در پنج وقت می‌خواندند و هرگاه کسی شراب می‌نوشید تا وقت نماز بعد، آثار مستی در وجود او بود، لذا در این دستور از نوشیدن شراب به طور کلی ممانعت شده است.

نه تنها در حالت مستی از نزدیک شدن به نماز جلوگیری شده، بلکه در حالات بی‌حالی و چرت سنگین نیز به همان دلیلی که در آیه ذکر شده است (تا بدانید که چه می‌گوئید) از خواندن نماز جلوگیری شده است.

شراب در لسان احادیث

در روایات فراوانی مذمت شراب با صراحت آمده است و ما به دلیل اینکه به ذهن نزدیک‌تر شود عنوان و تیتیری برای روایات می‌آوریم و سپس آن را نقل می‌کنیم، باشد که به حول و قوه الهی مؤثر افتد، إن شاء الله.

✽ شراب و ایمان با هم نمی‌سازند

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «لَا تُجْمَعُ الْخَمْرُ وَالْإِيمَانُ فِي جَوْفِ أَوْ قَلْبِ رَجُلٍ أَبَدًا»^۱

شراب و ایمان در یک جان یا دل مؤمن هرگز جمع نمی‌شود.

✽ شراب خوار به بهشت نمی‌رود

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: «لَا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ سَافِكُ الدَّمْرِ وَلَا شَارِبُ الْخَمْرِ وَلَا مَشَاءُ بِنَمِيمٍ»^۲

امام صادق (علیه السلام) فرمود: وارد بهشت نمی‌شود خونریز و

شراب خوار و سخن چین.

✽ شراب خوار چهل روز نمازش قبول نمی‌شود

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «الْخَمْرُ أُمَّ الْخَبَائِثِ فَمَنْ شَرِبَهَا لَمْ يَقْبَلِ

۱ (بحار الانوار جلد ۷۶ صفحه ۱۵۲)

۲ (کافی جلد ۷ صفحه ۲۷۳)

اللَّهُ لَهُ صَلَاةٌ أَرْبَعِينَ يَوْمًا»^۱

رسول خدا ﷺ فرمود: شراب ریشة همه پلیدی‌هاست، پس کسی که شراب بنوشد در پیشگاه خداوند تا چهل روز نمازش پذیرفته نیست.

* پول بدست آمده از شراب حرام است

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «إِنَّ اللَّهَ حَرَّمَ الْحَمْرَ وَثَمَنَهَا»^۲

رسول خدا ﷺ فرمود: خداوند حرام کرده است شراب و قیمت آن را.

* استفاده هر مست کننده‌ای حرام است

قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «خَطَبَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «فَقَالَ فِي خُطْبَتِهِ كُلُّ

مُسْكِرٍ حَرَامٌ»^۳

۱ (عوالی اللئالی جلد ۳ صفحه ۵۶۲)

۲ (کنز العمال جلد ۲)

۳ (وسائل الشیعه جلد ۱۷ صفحه ۲۵۹)

امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله در ضمن خطبه‌ای فرمود: هر مست کننده‌ای حرام است.

❖ شرکت در مجلس شراب حرام است

قال الصادق علیه السلام: «لَا تُجَالِسُوا شَرَّابَ الْخَمْرِ»^۱

امام صادق علیه السلام فرمود: با شراب خوارها مجالست نکنید.

❖ ازدواج با شراب خوار حرام است

قال الصادق علیه السلام: «مَنْ زَوَّجَ كَرِيْمَتَهُ مِنْ شَارِبِ الْخَمْرِ، فَقَدْ

قَطَعَ رَحْمَهَا»^۲

امام صادق علیه السلام فرمود: کسی که دخترش را به شراب

خوار تزویج کند با او قطع رحم کرده است.

۱ (من لا يحضره الفقيه جلد ۴ صفحه ۵۷)

۲ (کافی جلد ۵ صفحه ۳۴۷)

❖ شراب خواری و بت پرستی یکی است

قال علی علیه السلام: «وَأَعْلَمُ أَنَّ شَارِبَ الْخَمْرِ كَعَابِدِوثِنٍ...»^۱

و بدان که شرابخوار مانند بت پرست است...

❖ شراب خواری مساوی است با کفر

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله: «مُدْمِنُ الْخَمْرِ يَلْقَى اللَّهَ يَوْمَ يَلْقَاهُ كَافِرًا»^۲

دائم الخمر خدا را در قیامت ملاقات می کند در حال کفر.

❖ شراب کلید همه بدی هاست

قال الصادق علیه السلام: «شُرْبُ الْخَمْرِ مِفْتَاحُ كُلِّ شَرٍّ»^۳

شراب خوار کلید هر بدی است.

❖ دست اندرکاران شراب همگی ملعونند

ده گروه را رسول خدا صلى الله عليه وآله لعنت فرمود که به نوعی

۱ (بحارالانوار جلد ۶۳ صفحه ۴۹۰)

۲ (وسائل الشیعه جلد ۲۵ صفحه ۳۲۰)

۳ (بحارالانوار جلد ۷۶ صفحه ۱۴۰)

دست اندر کار شرابند:

عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (عَلَيْهِ السَّلَامُ): «لَعَنَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ فِي الْخَمْرِ عَشْرَةَ غَارِسَهَا وَحَارِسَهَا وَعَاصِرَهَا وَشَارِبَهَا وَسَاقِيَهَا وَحَامِلَهَا وَالْمَحْمُولَةَ إِلَيْهِ وَبَائِعَهَا وَمُشْتَرِيَهَا وَآكِلَ ثَمَنِهَا»^۱

امام محمد باقر (علیه السلام) فرمود:

رسول خدا ﷺ ده گروه را در کار شراب لعنت کرد:

- ۱- کسی که درخت انگور را برای شراب می‌کارد.
- ۲- کسی که باغبانی و نگهداری می‌کند.
- ۳- کسی که انگور را فشار می‌دهد و آبش را برای شراب می‌گیرد.
- ۴- کسی که شراب را می‌نوشد.
- ۵- کسی که ساقی شراب می‌شود.
- ۶- کسی که بار شراب حمل می‌کند.

۷- کسی که بار شراب برای او برده می‌شود.

۸- فروشنده شراب.

۹- خریدار شراب.

۱۰- خورنده پول فروش آن.

* شراب خوار هیچ احترامی ندارد

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «شَارِبُ الْخَمْرِ لَا يُعَادُ إِذَا مَرِضَ وَلَا يُشْهَدُ لَهُ جَنَازَةٌ وَلَا تُرْكُوهُ إِذَا شَهِدَ وَلَا تُرْوَجُوهُ إِذَا خُطِبَ وَلَا تَأْتَمِنُوهُ عَلَى أَمَانَةٍ»^۱

پیامبر اکرم ﷺ فرمود: شراب‌خوار اگر مریض شد نباید به عیادتش بروید، و اگر مرد به تشییع جنازه‌اش نروید، و اگر در جایی شهادت داد قبول نکنید، و اگر خواستگاری کرد به او زن ندهید و هرگز امانتی را به او ندهید و امینش ندانید.

در حدیثی است از رسول خدا ﷺ قسم یاد می‌کند که شراب خوار در حال تشنگی از دنیا می‌رود و در قبر تشنه و در قیامت تشنه است و فریاد می‌زند: وا عطشا، به مدت هزار سال، سپس به او آبی از چرک جوشیده می‌دهند، بد نوشیدنی خواهد بود.^۱

شراب از نظر فقه

در مسئله ۱۱۱ رساله امام خمینی رحمته الله علیه آمده است: شراب و هر چیز دیگری که انسان را مست می‌کند، چنانچه به خودی خود روان باشد، نجس است.

در مسئله ۱۱۵ رساله امام خمینی رحمته الله علیه نیز آمده است: فقاع که از جو گرفته می‌شود و به آن آبجو می‌گویند، نجس است ولی آبی که به دستور طبیب از جو می‌گیرند و به آن ماء الشعیر می‌گویند، پاک می‌باشد.

امام خمینی رحمته الله علیه در تحریر الوسیله کتاب الحدود مسأله اول می‌فرماید:

«وجب الحد علی من تناول المسکر و الفقاع»

واجب است بر کسی که مست کننده بنوشد یا آبجو نوشیده باشد، حد شرعی اجرا شود.

و در مسئله ۲ می‌فرماید: فرقی ندارد که مست کننده از انگور گرفته شده باشد که شراب گفته می‌شود و یا از خرما که نبیذ گفته می‌شود، یا هر چیز دیگری.

شراب از دیدگاه دانشمندان

گرچه ما برای اینکه مسلمانیم آیة قرآن و حدیث امامان معصوم بهترین سند و نظر است و آنان را طیب جسم و روح خویش دانسته و از هر حکیمی حکیم‌تر می‌دانیم، لکن برای اینکه بدانیم که در طول تاریخ دانشمندان نیز با مطالعات بر

جسم و روح بشر به چه نتایجی رسیده‌اند، اشاره‌ای به قول آنان می‌کنیم و از زبان آمار نیز مطالبی را می‌شنویم:

۱- اثر مشروبات الکلی در عمر

یکی از دانشمندان مشهور غرب اظهار می‌دارد که: هرگاه از جوانان ۲۱ تا ۲۳ ساله معتاد به مشروبات الکلی، ۵۱ نفر بمیرند، در مقابل از جوان‌های غیر معتاد ۱۰ نفر هم تلف نمی‌شوند و بر اثر تجربیاتی که کمپانی‌های «بیمه عمر» کرده‌اند ثابت شده است که عمر معتادان به الکل نسبت به دیگران ۲۵ الی ۳۰ درصد کمتر است.^۱

و نیز دانشمند دیگری می‌گوید:

جوان‌های ۲۰ ساله که انتظار می‌رود ۵۰ سال عمر کنند، در اثر نوشیدن الکل، بیشتر از ۳۵ سال عمر نمی‌کنند.

۱ (سمپوزیوم الکل صفحه ۶۷)

۲- اثر مشروبات الکلی در نسل و فرزندان

کسی که در حین انعقاد نطفه مست است ۳۵٪ عوارض الکلیسم حاد را به فرزند خود منتقل می‌کند و اگر زن و مرد هر دو مست باشند صد در صد عوارض حاد در بچه ظاهر می‌شود. برای اینکه به اثر الکل در فرزندان بیشتر پی ببرید آماری را در اینجا می‌آوریم:

کودکانی که زودتر از وقت طبیعی به دنیا آمده‌اند از پدران و مادران الکلی ۴۵٪ و از مادران الکلی ۳۱٪ و از پدران الکلی ۱۷٪ بوده‌اند. کودکانی که هنگام تولد توانایی زندگی را ندارند، از پدران الکلی ۶٪ و از مادران الکلی ۴۵٪ بوده‌اند که فاقد نیروی کافی عقلانی و روحی بوده‌اند و از مادران الکلی ۷۵٪ و از پدران الکلی ۷۵٪ بوده‌اند.

۳- اثر مشروبات الکلی در اخلاق

از آنجا که عقل و عاطفه دو کانون مهر و محبت بوده و

خداوند آنها را نزدیک به هم در وجود انسان آفریده است و با نوشیدن مشروبات الکلی عقل که مرکز فرماندهی است از کار می‌افتد و در نتیجه عاطفه و محبت نیز زایل می‌شود، خوب است ضرر این زوال عقل را از زبان آمار بشنویم:

طبق آماری که انستیتوی پزشکی قانونی شهر نیون در سال ۱۹۶۱ تهیه نموده است جرائم اجتماعی الکلیست‌ها از این قرار است:

مرتکبین قتل‌های عمومی ۵۰٪، ضرب و جرح‌ها در اثر نوشیدن الکل ۷۷/۸٪، سرقت‌های مربوط به الکلیست‌ها ۸۸/۵٪ و جرائم جنسی مربوط به الکلیست‌ها ۸۸/۸٪ می‌باشد. این آمار نشان می‌دهد که اکثریت قاطع جنایات و جرائم بزرگ در حال مستی روی می‌دهد.

دانشمندی به نام هوگو به مناسبت بیستمین سالگرد مجله

علوم گفت:

۶۰٪ قتل‌های عمدی، ۷۵٪ ضرب و جرح، ۳۰٪ جرائم ضد اخلاقی از جمله زنا با محارم، ۲۰٪ جرائم سرقت، مربوط به مشروبات الکلی بوده است و ۴۰٪ از اطفال مجرم، دارای سابقه‌ اثر الکلیت هستند.^۱

۴- ضررهای مشروبات الکلی در بدن

کبد عضو حساس و قلعه بزرگ دفاعی بدن بوده و امروزه چنین دریافته‌اند که از شاهکارهای آفرینش بدن است، زیرا سلول‌های آن با نظم و ترتیب خاص، ۳۲ عملی را که بر عهده دارند به خوبی انجام می‌دهند. کبد برای هضم غذا صفرامی‌سازد، گلیکوژن سازی و تنظیم قند خون را به عهده دارد، برای جلوگیری از انعقاد خون لیازین می‌سازد، ماده انعقادی نیز برای جلوگیری از خونریزی‌های احتمالی می‌سازد، تبدیل آمونیاک مسموم کننده به اوره، دفع سموم و تحلیل آنها به مواد

۱ (سمپوزیوم الککل صفحه ۶۶)

کم خطرتر، ساختن آنتی کرها یا تریاق ضد میکروب‌ها و... که امروز ۳۲ وظیفه آن شناخته شده، همه از اعمال کبد است. عدد مذکور در مقابل الکل در ابتدا تغییرات جزئی و تجمع چربی نشان داد. سپس سلول‌های کبدی با پدیده‌های مرگ سلول‌های آماس یافته و افزایش سلول‌های مرانشمی است. سپس به تغییرات نسجی کبد بر ورید باب که خون گوارشی را به کبد می‌رساند فشار وارد آمده و خون در آن پس زده و از اینجا تمایل به خونریزی در کبدی‌ها مشاهده می‌شود.

افزایش بزاق، گشاد شدن عروق معده در پی آن ترشح زیاد سبب اختلال در هضم معده - معدوی شده و اگر الکل غلیظ باشد و قفه گوارشی و ورم‌های معده و روده بوجود می‌آید. روده کوچک از اول پر خون شده، دارای دانه‌هایی می‌شود و نیز صفاق چربی بیشتری در آن جمع شده، مستعد ابتلا به عفونت بخصوص بیماری سل می‌گردد.

چون قسمتی از الکل از راه تنفس دفع می‌شود، مقاومت ریه‌ها را کم و آنها را مستعد پذیرش عفونت‌ها می‌سازد. الکل آب خون را جذب می‌کند و گلبول‌های قرمز بالا می‌رود، بزرگ شده و قسمتی از هموگلوبین خود را از دست می‌دهد و خاصیت میکروب‌کشی گلبول‌های سفید کم می‌شود.

۵- اثر مشروبات الکلی در اقتصاد

آماری در فرانسه منتشر شد که: الکل چندین میلیارد فرانک در سال بر بودجهٔ فرانسه، غیر از خسارات شخصی به شرح زیر تحمیل می‌کند:

- ۶۰ میلیارد فرانک خرج دادگستری و زندان‌ها.
 - ۴۰ میلیارد فرانک خرج تعاون عمومی و خیریه.
 - ۱۰ میلیارد فرانک مخارج بیمارستان‌ها برای الکلی‌ها.
 - ۷۰ میلیارد فرانک هزینهٔ امنیت اجتماعی.
- یکی از روانپزشکان معروف می‌گوید:

متأسفانه حکومت‌ها حساب منافع و عایدات مالیاتی شراب را می‌کنند ولی حساب بودجه‌های هنگفت دیگری که صرف ترمیم مفاسد شراب می‌شود را نکرده‌اند. اگر دولت‌ها حساب ازدیاد بیماری‌های روحی را در اجتماع و خسارت‌های جامعه منحنی و اتلاف وقت‌های گران‌بها و تصادفات رانندگی بر اثر مستی، و فساد نسل‌های پاک، تنبلی و بی‌قیدی و بی‌کاری و عقب ماندن فرهنگ و زحمات و گرفتاری‌های پلیس و پرورشگاه‌ها جهت سرپرستی اولاد الکلیست‌ها و بیمارستان‌ها و تشکیلات دادگستری برای جنایات آنها و زندان‌ها برای مجرمین از الکلی‌ها و دیگر خسارت‌های ناشی از میگساری را یکجا بکنند، خواهند دانست، درآمدی که به عنوان عوارض و عایدات شراب عاید می‌گردد، در برابر خسارت‌های نامبرده هیچ است، به علاوه نتایج اسف‌انگیز مصرف مشروبات الکلی را تنها به دلار و پول نمی‌توان سنجید، زیرا مرگ عزیزان و به

هم خوردن خانواده‌ها و آرزوهای بر باد رفته و فقدان مغزهای متفکر انسانی، به هیچ وجه قابل مقایسه با پول نمی‌باشد.

خلاصه ضررهای الکل آنقدر زیاد است که به گفته یکی از دانشمندان: اگر ضمانت کنند، درب نیمی از میخانه‌ها را ببندند، می‌توان ضمانت کرد که از نیمی از بیمارستان‌ها و تیمارستان‌ها بی‌نیاز شویم.

دکتر هانس (روانشناس معروف) در کنگره‌ای که در شهر مونیخ برگزار شده بود، گفت:

حتی یک جرعه مشروب هم برای رانندگان خطرناک است و اخیراً اظهار داشته‌اند که الکل خون چون به حد معینی که هست هم برسد، راننده میل پیدا می‌کند که خود را به ماشینی که از دور در برابرش ظاهر می‌شود، بکوبد و با او تصادف کند.

دکتر مالوی کترلی در هشتمین کنگره جهانی مبارزه با

الکل و الکلیسم که سال ۱۹۶۹ در نیویورک تشکیل شد

گفت:

حتی مصرف کم الکل می‌تواند ضایعات مغزی بسیاری را سبب شود، وی اضافه کرد که بعضی‌ها چنین گمان کرده‌اند که اگر فقط در مجالس به اصطلاح، لب‌تر کنند گرفتار اعتیاد نمی‌شوند یا الکل در آنان ضایعات مغزی بوجود نمی‌آورد، در حالی که تحقیقات وسیعی که در این زمینه شده، نشان می‌دهد که مشروبات الکلی حتی به میزان بسیار کم سبب اختلال در کار سلول‌های مغزی می‌شود.

در همان کنگره دانشمندی دیگر به نام «دکتر رایموند پنیگتون» سخنرانی کرده و به اثر سوء حتی مقدار کم الکل بر انسان اشاره‌ای نموده است.

پس از شنیدن سخن دانشمندان که می‌گویند: شراب چه کم و چه زیادش بر روی مغز انسان اثر می‌کند، انسان به یاد

قرآن مجید می‌آید که به جای لغت مسکر، خمر را استعمال فرموده که خمر به معنای پوشش و در اینجا به مفهوم پوشیدن مغز و از کار افتادن اندیشه انسان است.

و در تفسیر تبیان در ذیل آیه شریفه

«وَلَا تُؤْتُوا السُّفَهَاءَ أَمْوَالَكُمُ»^۱

که امواتان را به دست سفیهان نسپارید، آمده است:

امام صادق علیه السلام فرمود:

«إِنَّ السُّفِيهَ شَارِبُ الْخَمْرِ وَمَنْ جَرَى بِجَرَاهُ»^۲

یعنی سفیه، شخص شراب خوار است و هر کس که در

ردیف اوست.

آماری دیگر از دیگر نقاط جهان

در انگلستان در برابر ۲۲۴۹ نفر دیوانه، فقط ۵۳ نفر به عللی

۱ (نساء ۵)

۲ (تفسیر نور الثقلین جلد ۱ صفحه ۴۴۲)

غیر از مشروبات الکلی دیوانه‌اند و بقیه به علت مصرف الکل می‌باشد. ۸۵٪ از بیماران روانی آمریکا در تیمارستان‌ها را معتادان به مشروبات الکلی تشکیل می‌دهند.

دانشمندی به نام بیتام می‌نویسد:

مشروبات الکلی در کشورهای شمالی، انسان را کودن و ابله و در کشورهای جنوبی، انسان را دیوانه می‌کند. سپس می‌افزاید: آئین اسلام تمام انواع نوشابه‌های الکلی را تحریم کرده است و این یکی از امتیازات اسلام می‌باشد.^۱

در فرانسه هر روز ۴۴۰ نفر جان خود را فدای الکل می‌کنند. طبق آماری دیگر تلفات بیماری‌های روانی آمریکا در یک سال دو برابر تلفات آن کشور در جنگ جهانی دوم بوده است و طبق بررسی، در این بیماری‌های روانی مشروبات و سیگار، نقش اول بوده است.

۱ (تفسیر الجواهر جلد ۱)

قمار

قال الله تعالى: «يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ قُلْ فِيهِمَا إِثْرٌ
كَبِيرٌ...»^۱

پیرامون دو موضوع در این آیه شریفه بحث شده است که بحث شراب گذشت و اکنون در ذیل لغت «میسر» که به معنی قمار است، مطالبی را می‌نگاریم، مخفی نماند همچنان که درباره شراب گفته شد که منافع و مضاری دارد، لکن گناه و ضرر آن بیش از نفعش می‌باشد، در باب قمار نیز قضیه چنین است، زیرا در قمار آن کسی که آلت قمار می‌سازد و می‌فروشد و نیز آن کسی که قمارخانه باز می‌کند و درآمدی به جیب می‌زند و در خود قمار بازی، آن شخصی که از رقیبش می‌برد این‌ها همان منافی است که عاید طرف می‌شود و این که به قمار میسر گفته شده از ماده «یسر» و آسانی آمده به این

دلیل است که پول حاصل شده برای برنده آسان و بی‌زحمت بدست می‌آید.

ضررهای قمار

ضررهای قمار بر کسی پوشیده نیست، لکن به صورت دسته‌بندی به مضرات آن اشاره می‌کنیم:

۱- قمار عامل هیجان است

کلیه دانشمندان روانشناسان و محققان پیکولوژی معتقدند که هیجان‌ات روانی، عامل اصلی بسیاری از بیماری‌ها هستند. مثلاً کم شدن ویتامین‌ها، زخم معده، جنون و دیوانگی، بیماری‌های عصبی و روانی بصورت خفیف و حادّ و مانند آنها در بسیاری از موارد ناشی از هیجان می‌باشند و قمار بزرگترین عامل پیدایش هیجان است.

یکی از دانشمندان آمریکایی می‌گوید:

«در سال، ۲۰۰۰ نفر در اثر هیجان قمار می‌میرند.»

محققین می‌گویند:

«به طور متوسط، قلب یک پوکرباز (یک نوع بازی قمار) متجاوز از ۱۰۰ بار در دقیقه می‌زند، قمار گاهی سکتۀ قلبی و مغزی نیز ایجاد می‌کند و قطعاً عامل پیری زودرس خواهد بود.»
پزشکان می‌گویند:

«شخصی که مشغول بازی قمار است، نه تنها روح وی دستخوش تشنج است بلکه تمام جهازات بدن او در یک حالت فوق العاده به سر می‌برند، یعنی ضربان قلب بیشتر می‌شود، رنگ صورت می‌پرد، دچار بی‌اشتهایی می‌شود و پس از پایان قمار، به دنبال یک جنگ اعصاب و حالت بحرانی به خواب می‌رود و غالباً برای تسکین اعصاب و ایجاد آرامش در بدن متوسل به الکل و سایر مواد مخدر می‌شود که در این صورت زیان‌های ناشی از آن را نیز باید به زیان‌های مستقیم قمار اضافه کرد.»

۲- قمار جنایت آفرین است

آمارگران دقیق دنیا ثابت کرده‌اند که ۳۰٪ جنایت‌ها با قمار رابطه مستقیم دارند و از عوامل بوجود آمدن ۷۰٪ جنایات دیگر نیز بشمار می‌رود.

مرحوم علامه طباطبائی رحمته‌الله می‌فرماید:

«اما میسر که همان قمار است، آن نیز در ضرر و مفسده دست کمی از شراب ندارد، زیرا قمار سعی و کوششی را که شخص در مدت‌های طولانی در راه جمع مال و بدست آوردن وجهه و آبرو به کار برده، در کمترین مدت از بین برده و چه بسا عرض و آبروی او را، بلکه جان او نیز تباه می‌شود.»^۱

۹۰٪ جیب‌بری، ۵۰٪ جرائم جنسی، ۱۰٪ فساد اخلاقی، ۳۰٪ از طلاق‌ها، ۴۰٪ از ضرب و جرح‌ها و ۵٪ از خودکشی‌ها به خاطر قمار صورت گرفته است.

۱ (تفسیر المیزان جلد ۶ صفحه ۱۸۲)

۳- قمار و ضررهای اقتصادی و اجتماعی

در سال، میلیاردها ثروت مردم دستخوش تاراج قماربازان می‌شود که به جای آن هزاران هزار مرکز اقتصادی، تولیدی، درمانی و علمی می‌توان تأسیس کرد و علاوه بر آن این که افراد قمارباز از کار افتاده و خمود و عاطل و باطل می‌شوند. در شهر «مونت کارلو» که یکی از مراکز معروف قمار در دنیا است، نقل شده که یک نفر در مدت ۱۹ ساعت قماربازی ۴ میلیون تومان ثروت خود را از دست داد و وقتی درهای قمارخانه بسته شد، یکراست به جنگل رفت و با یک گلوله مغز خویش را متلاشی کرد و به زندگی خود خاتمه داد. گزارش دهنده اضافه کرد: جنگل‌های مونت کارلو بارها شاهد خودکشی این پاک بازها بوده است!!

از طرف دیگر برخی از قماربازان نیز به امید اینکه مالی بی حساب را به جیب می‌زنند، حاضر به کار و فعالیت و تولید

نیستند و اگر هم باختند برای جبران آن دست به سرقت و خلاف‌های دیگر می‌زنند، به همین دلیل بسیاری از کشورهایی که خلاف‌های دیگر در آن‌ها رواج دارد، قمار را ممنوع اعلام کرده‌اند. مثلاً انگلستان در سال ۱۸۵۳ و آمریکا در سال ۱۸۵۵ و شوروی در سال ۱۸۵۴ و آلمان در سال ۱۸۷۳، قمار را رسماً ممنوع اعلام نمودند.

در تعریفی کوتاه از قمار آمده است که:

قمار یعنی قربانی کردن مال و شرف برای بدست آوردن مال غیر، به خدعه و تزویر و احیاناً به عنوان تفریح و نرسیدن به هیچکدام.

تاریخچه قمار

قمار از جمله اعتیادهای خطرناکی است که از روزگاران دیرین به عنوان تفریح و سرگرمی در زندگی بشر رخنه کرده است.

قمار به گفته مسعودی در کتاب «مروج الذهب» در میان هندیان پیدا شده است. او می‌گوید:

نردبازی در ایام برهمن که یکی از پادشاهان باستانی هند بود در حدود (قرن ۸ تا ۹ قبل از میلاد) رایج شد و برای بعضی از مردم یکی از راه‌های کسب و معیشت قرار گرفت ولی افراد عاقل و هوشیار هند به آن نمی‌پرداختند، چون معتقد بودند که ارتزاق و معیشت جز از راه جدیت و کوشش فراهم نمی‌گردد.

فرید وجدی در دائرة المعارف حول کلمه قمار چنین می‌نویسد: قمار از دیرباز در ملت‌ها معروف بود، از یونانیان قدیم تنها مردم جمهوری اسپارت آن را تحریم نمودند، چون آنان اسراف را دوست نداشتند.

پیش از طلوع اسلام، قمار در میان ملت عرب رواج کامل داشت و با وقیح‌ترین صورت‌ها انجام می‌گرفت و ازلام و انصاب

که قرآن مجید مخصوصاً از آن نام می‌برد یکی از راه‌های شایع قمار بود.

کانون گرم خانواده به خاطر قماربازی متلاشی و سرد می‌شود و گاهی قمارباز وسایل زندگی خود و حتی زن و بچه خود و گاهی خود را بر باد می‌دهد.

به گفته‌ی یکی از بزرگان: قماربازان افراد بی‌کار، تنبل، بی‌حوصله و سربار اجتماعند. در لاس و گاس محل مخصوصی برای خودکشی قماربازان در نظر گرفته شده است!

از امام باقر علیه السلام نقل شده است که هنگامی که آیه:

«إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنْصَابُ وَالْأَزْلَامُ رِجْسٌ»^۱

نازل گردید، از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله سؤال شد که میسر چیست؟

حضرت جواب داد: هر آنچه با آن برد و باخت انجام

می‌شود، حتی قاپ‌های استخوانی و گردو.^۲

۱ (مائده ۹۰)

۲ (تفسیر المیزان جلد ۶ صفحه ۱۰۴)

قمار از نظر روایات

قال علی بن موسی الرضا علیه السلام: «الْمَيْسِرُ هُوَ الْقِمَارُ»^۱

امام هشتم علیه السلام فرمودند: میسر همان قمار است.

قال علی علیه السلام: «كُلُّ مَا أَلْهَىٰ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ فَهُوَ مِنَ الْمَيْسِرِ»^۲

امام علی علیه السلام فرمود: هر چیزی که انسان را از یاد خدا

غافل کند قمار است.

«عَنِ السَّكُونِيِّ عَنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: «كَانَ يَنْهَىٰ عَنِ الْجَوْرِ

يَجِيءُ بِهِ الصَّبِيَّانُ مِنَ الْقِمَارِ أَنْ يُؤْكَلَ وَقَالَ هُوَ سَحَتْ»^۳

از امام صادق علیه السلام نقل شده است که: نهی کرد از خوردن

گردویی که بچه‌ها از قمار بدست آورده بودند و فرمود: حرام

است.

اسحاق بن عمار می‌گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم:

۱ (بحار الانوار جلد ۷۶ صفحه ۲۳۵)

۲ (بحار الانوار جلد ۷۶ صفحه ۲۳۰)

۳ (وسائل الشیعه جلد ۱۷ صفحه ۱۶۶)

بچه‌ها گردو و تخم مرغ را از راه قمار بدست می‌آورند، چه صورتی دارد؟ حضرت در جواب فرمود: آنها را نخور زیرا حرام است.^۱

قال علی بن موسی الرضا علیه السلام: «إِنَّ الشَّطْرَنْجَ وَالتَّرْدَ وَأَنْبَعَ عَشْرَةَ وَكُلَّ مَا قَوْمَ عَلَيْهِ مِنْهَا فَهُوَ مَيْسِرٌ»^۲

امام هشتم علیه السلام فرمود: شطرنج و نرد و اربع عشر (یک نوع بازی قمار است) و هر آنچه با آن قمار می‌شود، مشمول میسر و قماری است که قرآن منع فرموده است.

قال الصادق علیه السلام: «فَمَنْ كَانَ مِنْ شِيعَتِنَا فَلْيَتَوَرَّعَ عَنْ شُرْبِ الْفُقَّاعِ وَاللَّعِبِ بِالشَّطْرَنْجِ»^۳

امام صادق علیه السلام فرمود: پس کسی که از شیعیان ما باشد، باید اجتناب کند از نوشیدن آبجو و بازی با شطرنج.

۱ (فروع کافی جلد ۵ صفحه ۱۲۳)

۲ (بحارالانوار جلد ۷۶ صفحه ۲۳۵)

۳ (من لا یحضره الفقیه جلد ۴ صفحه ۴۱۹)

اصبغ بن نباته که از یاران مخلص امیرالمؤمنین (علیه السلام) است از حضرت نقل می‌کند که فرمود: شش طائفه را نباید حتی سلام کرد و از آن شش طائفه، یهود و شرابخواران و قماربازان را شمرد.^۱

قمار از نظر فقه

نظر مرحوم شیخ انصاری (رحمته الله علیه) در مورد قمار چنین است: «قمار در نظر شرع مقدس اسلام اجماعاً حرام است و سنت متواتره بر آن دلالت دارد.»

و حکم چهار نوع قمار چنین است:

۱- قمار با آلت مخصوصه و با برد و باخت، بدون شک حرام است.

۲- قمار با آلت مخصوصه و بدون برد و باخت، در حرام بودنش نظر است.

۳- قمار با آلت غیرمخصوصه با عوض، ظاهراً از حیث حرمت و فساد ملحق به قمار است بلکه بعضی از علماء صریحاً فرموده‌اند: حرام است.

۴- قمار با غیر آلت مخصوصه، بدون عوض را اکثر علماء فرموده‌اند: حرام است، البته غیر از آنچه شرعاً مباح است مانند: تیراندازی، اسب سواری و...

ربا

قال الله العظيم: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا الرِّبَا»^۱

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، ربا نخورید.

از جمله لقمه‌های حرامی که هم آثار وضعی دنیوی و هم عذاب اخروی دارد خوردن پول بدست آمده از ریاست. اثار فراوان و خطرناکی که بر این عمل قبیح مترتب است بر کسی پوشیده نیست که در اینجا به برخی از آن آثار اشاره می‌کنیم:

ربا در آیات قرآن

قرآن مجید در سوره بقره آیه ۲۷۵ رباخواران را به دیوانگان تشبیه کرده است. حال آیا این جنون مربوط به دنیای آنهاست که چون عاطفه و محبت و نوع دوستی و انصاف که از خصوصیات عقل است در آنها مرده است، پس تشبیه به دیوانه شده و یا این که مربوط به آخرت باشد و آن هنگام که سر از

۱ (آل عمران ۱۳۰)



قبر برداشته و محشور می‌شوند قول‌هایی است که درباره‌اش مفسرین بحث کرده‌اند، البته در روایات به هر دو نوع این جنون اشاره شده است.

قال الصادق عليه السلام: «أَكَلُ الرَّبَا لَا يَخْرُجُ مِنَ الدُّنْيَا حَتَّى يَتَخَبَّطَهُ الشَّيْطَانُ»^۱

رباخوار از دنیا نمی‌رود، مگر اینکه شیطان به نوعی جنون مبتلاش کند

دربارهٔ حالت رباخواران در قیامت نیز حدیث معروفی از رسول خدا صلی الله علیه و آله است که فرمود: در شب معراج افرادی را دیدم که از فرط بزرگی شکم هر چه تلاش می‌کردند که از زمین برخیزند، قادر نبودند و پی در پی به زمین می‌خوردند، از جبرئیل پرسیدم اینها کیانند؟ گفت: رباخواران.^۲

۱ (بحارالانوار جلد ۱۰۰ صفحه ۱۲۰)

۲ (مستدرک الوسائل جلد ۲ صفحه ۴۷۸)

توجیه رباخواران

در ادامه آیه شریفه آمده است:

«قَالُوا إِنَّمَا الْبَيْعُ مِثْلُ الرِّبَا»

گفتند: معامله هم مثل ربا است (تفاوتی با هم ندارند).

رباخواران هم مانند بسیاری از گناهکاران دیگر، کار خلاف خود را توجیه می‌کنند تا در نتیجه با خاطری آسوده، مرتکب آن شوند. درباره گناه بسیار خطیر ربا، اظهار می‌دارند که چه فرقی است بین ربا و معاملات معمولی؟

قرآن مجید جواب آنان را در یک جمله به اختصار داده است. زیرا این مسئله روشن است و نیازی به توضیح نیست، لذا جواب داده است که:

«وَأَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَحَرَّمَ الرِّبَا»

خداوند بیع و تجارت را حلال کرده و ربا را تحریم نموده است.

فرق بیع و ربا

- ۱- در خرید و فروش معمولی هر دو طرف به طور یکسان در معرض سود و زیان هستند، در حالی که در معامله ربوی رباخوار هرگز ضرر نمی‌بیند و به همین دلیل مؤسساتی که ربا می‌گیرند هر روز سرمایه‌دارتر شده و ملتی که طرف حساب آنانند رفته رفته ضعیف‌تر می‌شوند.
- ۲- در معاملات و تجارت، دو طرف، خریدار و فروشنده به دنبال تولید و مصرف و کیفیت تولید و بهبود صنعت پیش می‌روند که ترقی و تکامل جامعه بستگی به آن دارد، لکن رباخوار هیچ عمل مثبتی که به درد جامعه بخورد انجام نمی‌دهد.
- ۳- تجارت و خرید و فروش، پایه‌های اقتصاد کشور را مستحکم و چرخ اقتصادی را به جریان می‌اندازد ولی در رباخواری پایه‌های اقتصاد جامعه متزلزل می‌گردد.

۴- رباخواری آغاز درگیری‌ها و دشمنی‌ها و جنگ‌های طبقاتی است در حالی که تجارت صحیح سر منشاء رفاقت‌ها و دوستی‌هاست.

در آخر آیه شریفه ۲۷۵ سوره بقره می‌فرماید:

«فَمَنْ جَاءَهُ مَوْعِظَةٌ مِنْ رَبِّهِ فَانْتَهَى فَلَهُ مَا سَلَفَ وَأَمْرُهُ إِلَى اللَّهِ
وَمَنْ عَادَ فَأُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ»

کسانی که پند و اندرز الهی در مورد تحریم ربا به آنها برسد و از این کار خودداری کنند، سودهایی را که قبل از نزول این حکم گرفته‌اند از خود آنهاست و کار آنها در قیامت به خدا واگذار می‌شود و اگر کسی پس از این نصیحت الهی با آن همه تأکید باز دست از این عمل بردارد باید در انتظار عذاب دردناک و دائمی پروردگار باشد.

در آیه شریفه بعد خداوند می‌فرماید:

«يَمَحَقُ اللَّهُ الرِّبَا وَيُرِي الصَّدَقَاتِ»^۱

ربا ناقص و نابود می‌شود، و صدقات رشد می‌نماید. (به عکس آنچه به چشم ظاهر می‌آید.)

ربا یا شیپور جنگ با خدا

لحن آیات در مورد تحریم ربا همانند لحنی است که در خصوص تحریم شراب بکار گرفته شده ولی اندکی متفاوت است. گاهی به بیان فلسفه تحریم و گاهی ضررهای آن اشاره می‌نماید و گاهی تند و شدید منع می‌کند، به دنبال آیه قبل درباره مال ربوی و تشبیه آنان به دیوانگان و جواب آنان که می‌گفتند: بیع مثل ربا است، آیاتی شدید اللحن آمده است:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَذَرُوا مَا بَقِيَ مِنَ الرِّبَا إِن كُنتُمْ

مُؤْمِنِينَ»^۲

۱ (بقره ۲۷۶)

۲ (بقره ۲۷۸)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از خدا بترسید و آنچه از مطالبات ربا باقی مانده را رها کنید، اگر ایمان دارید.

پس از این آیه چنین می‌فرماید:

«فَإِنْ لَمْ تَنْفَعُوا فَأَذْنُوبًا مِمَّنْ بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ»^۱

اگر چنین نمی‌کنید بدانید که با خدا و رسولش در جنگ خواهید بود.

و در ادامه همین آیه می‌فرماید:

«وَإِنْ تُبْتِغُوا فَكَيْفَ لَكُمْ رُؤُسُ أَمْوَالِكُمْ لَا تَظَاهِرُونَ وَلَا تَظَاهَرُونَ»

اگر توبه کنید سرمایه‌های شما از آن خود شماست (اصل سرمایه بدون سود) نه ستم می‌کنید و نه بر شما ستم می‌شود. در شأن نزول همین آیات چنین نقل شده است:

پس از نزول آیات ربا، شخصی به نام خالد بن ولید محضر رسول خدا ﷺ رسید و گفت: پدرم چون با طایفه ثقیف معاملات

ربوی داشت و مطالباتش را وصول نکرده بود وصیت کرد: مبلغی که از سودهای اموال او هنوز پرداخت نشده است تحویل بگیرم، آیا این عمل برای من جایز است؟ آیه نازل شد که:

«وَإِنْ تُبْتِغُوا فَكْرًا مِنْهُ فَارْجُوهَا مِنْهُ وَلَا تَنْسُوا الْيَوْمَ الْكَبِيرَ...»

و اگر توبه کردید پس اصل سرمایه شما مال شماست. در حدیثی از رسول اکرم صلی الله علیه و آله آمده است که: آگاه باشید که تمام مطالبات ربوی که در زمان جاهلیت، مردم از یکدیگر داشته‌اند، همگی باید فراموش شود و نخستین مطالبات ربوی که من آن را به دست فراموشی می‌سپارم مطالبات عباس بن عبدالمطلب عمومی من است.

در غالب آیاتی که در قرآن مجید آمده است، پس از بیان حکم و ریزه کاری‌های مربوط به آن، یک پیام و هشدار و حرف تکان دهنده‌ای آمده است و در این آیه مربوط به ربا نیز چنین فرموده است که:

«وَأَنْتُمْ أَيُّومًا تَرْجَعُونَ فِيهِ إِلَى اللَّهِ ثُمَّ تُوَفَّى كُلُّ نَفْسٍ مَا كَسَبَتْ
وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ»^۱

و از روزی بترسید که در آن به سوی خدا باز می‌گردید
و سپس به هر کس، آنچه را از دست داده باز پس داده می‌شود
و به آنان ستم نخواهد شد.

نکاتی که در این آیه هست اولاً ترساندن و یادآوری روز
جزا که به حسابها رسیدگی می‌شود و دادگاهی مانند دادگاه
عدل الهی حق را به حقدار می‌دهد. نکته دیگر اینکه این جزای
کار خود اوست و خداوند به کسی ظلم نمی‌کند پس هر چه
را خود کاشته است درو می‌کند، و نکته دیگر این که این آیه
دلیل بر تجسم اعمال در قیامت نیز می‌باشد. و همچنین گفته‌اند
این آیه آخرین آیه‌ای است که بر رسول خدا ﷺ نازل گردیده
است.

اثرات سوء ربا در آیات و روایات

در قرآن مجید هشت آیه مربوط به ربا و در خصوص آثار سوء این بلیه بزرگ آمده است که در اینجا به طور گذرا به آنها اشاره می‌کنیم:

۱- آثار اجتماعی

عقل و اندیشه از نعمت‌های خداوندی است که به انسان-ها ارزانی داشته شده است و همچنین عاطفه و احساس از مزیای خلقت انسان به شمار می‌آید و در آیه شریفه سوره بقره در مورد شخص رباخوار چنین تعریف شده است که همچون شخص جن زده و مجنون و دارای ترس و غم و در حقیقت به جای جن زده، شیطان زده حرکت می‌کند:

«الَّذِينَ يَأْكُلُونَ الرِّبَا لَا يَقُومُونَ إِلَّا كَمَا يَقُومُ الَّذِي يَتَخَبَّطُهُ الشَّيْطَانُ مِنَ الْمَسِّ»^۱

۲- آثار اعتقادی

اولاً مال و لقمه حرام در اعتقادات انسان اثر سوء می‌گذارد، و ثانیاً شخص رباخوار قلباً و لساناً معتقد است و می‌گوید: ربا مثل بیع است، و این انکار حکم دین، و حلال شمردن حرام می‌باشد و در نتیجه همچنان که قرآن مجید می‌فرماید آنان مستوجب عذاب الهی می‌باشند.

«فَأُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ»^۱

رسول اکرم اسلام ﷺ فرمودند:

«إِنَّ أَخْوَفَ مَا أَخَافُ عَلَىٰ أُمَّتِي مِنْ بَعْدِي هَذِهِ الْمَكَاسِبُ
الْحَرَامُ وَالشَّهْوَةُ الْخَفِيَّةُ وَالرِّبَا»^۲

هولناک‌ترین چیزی که من برای امتم پس از خودم می‌ترسم کسب حرام و شهوت و ربا است.

۱ (بقره ۲۷۵)

۲ (کافی جلد ۵ صفحه ۱۲۴)

این اضطراب رسول خدا ﷺ از کسب حرام و آزادی شهوات و معامله ربوی بخاطر نتایج سوء آن در جامعه می‌باشد، به یقین نسلی که از لقمه و کسب حرام تغذیه شود و از مسیر آزادی شهوت نطفه‌اش منعقد گردد و نیز از ربا پرورش یابد اعتقادی به خدا و قیامت در او نخواهد ماند.

در کتاب تورات چنین آمده است:

اگر برادر فقیر و تهیدستی نزد تو آمد، او را مانند غریب و مهمان پذیرایی و یاری نما تا با تو زندگی نماید. از او ربا و سود نگیر و از خدای خود بترس تا برادرت با تو زندگی کند، نقد خود را به ربا به او بده و خوراک خود را به سود به او مده، اگر نقدی به فقیران از قوم من که همسایه تو باشند قرض دادی مثل رباخواران با او رفتار مکن و هیچ سودی بر او مگذار.^۱

۱ (تورات سفر لاوی و سفر خروج باب ۲۲)

۳- آثار سیاسی

رباخواران، این زالو صفتان جامعه، سر جنگ با خدا را دارند هم در عقیده سست و هم در برخورد با مردم جامعه بی‌ملاحظه‌اند و به یقین در جنگ با خدا شکست می‌خورند و لذا دولت اسلامی باید ترتیبی اتخاذ کند تا با این ستمگران مقابله‌ای جدی شود.

۴- آثار اقتصادی

به یقین در نظامی که رباخواری رایج شد ترحم به ضعیفان و محرومان فراموش می‌شود و از عدالت اثری نمی‌ماند زیرا ربا به قول قرآن «أَكْلُ الْمَالِ بِالْبَاطِلِ» است و در این مسیر سرمایه‌ها در یک یا چند جا جمع شده آن هم در دست افراد نا اهل و دیگرانی که نیاز به پول جهت گذران زندگی خود دارند باید در مقابل سرمایه داران رباخوار گردن کج کنند و یا



با گرفتن مبلغی تا آخر عمر در تیول آنان و زیر منت آنها به سر برند.

قال الرضا عليه السلام: «عِلَّةُ تَحْرِيمِ الرِّبَا اِيْمَانُ هَيْهِ اللهُ عَزَّ وَجَلَّ عَنْهُ لِمَا فِيهِ مِنْ فَسَادِ الْأَمْوَالِ»^۱

امام رضا عليه السلام در جواب سؤالاتی که از حضرتش شد درباره علت تحریم ربا فرمودند: و علت حرام بودن ربا، نهی الهی است و اینکه خداوند از آن نهی فرموده است و نیز به دلیل فساد مال و ضررهای اقتصادی که از این ناحیه بر پیکر جامعه می‌خورد می‌باشد.

هشام بن حکم می‌گوید: از امام صادق عليه السلام درباره تحریم ربا سؤال کردم، حضرت فرمود:

«إِنَّهُ لَوْ كَانَ الرِّبَا حَلَالًا لَأَتَرَكَ النَّاسُ التِّجَارَاتِ وَمَا يَحْتَا جُونَ إِلَيْهِ»^۲

۱ (بحار الانوار جلد ۱۰۰ صفحه ۱۱۹)

۲ (بحار الانوار جلد ۱۰۰ صفحه ۱۱۹)

اگر چنین رسم بود که ربا حلال می‌بود مردم تجارت را ترک می‌کردند و احتیاجی به کسب و معامله نمی‌دیدند.

۵- آثار حقوقی

تمرکز ثروت در دست جمعی از رباخواران باعث قبضه کردن مهار قانون و اداره جامعه می‌شود و اینان بدین وسیله مدیریت را در دست می‌گیرند و به دلیل مادی بودن دنیا، حرف اول را اینگونه افراد می‌زنند و فقیران در این جامعه جایگاه و نفوذی ندارند.

ویل دورانت در تاریخ تمدن می‌نویسد:

«بیش از هزار سال قبل از میلاد وقتی قدرت به دست «وانک ان شی» افتاد وی اعلام کرد که حکومت باید خود را مسئول رفاه همهٔ ابناء خود بداند و دولت باید ادارهٔ امور بازرگانی و صنعت و کشاورزی را در دست بگیرد تا طبقات زحمتکش قوام یابند و در زیر پای اغنیاء با خاک یکسان

نشوند و دهقانان را از چنگ رباخواران رها گردانند و باید دولت هر ساله با نرخ نازلی وام مورد نیاز دهقانان را در اختیار آنها قرار دهد.»

قال الباقر عليه السلام: «أَحَبُّهُ الْمَكَاسِبُ كَسْبُ الرَّبَا»^۱

ناپاک‌ترین درآمدها، درآمد و کسب ربا می‌باشد.

۶- آثار عاطفی، انسانی

شخص رباخوار به دلیل اینکه فقط در فکر سود خویش است اگر مهلتی به افراد می‌دهد هیچگونه جنبه عاطفی ندارد، لذا عطوفت و محبت در قاموس او کمتر معنی و مفهوم را دارد. با اینکه خداوند در وجود او نیز مانند دیگران زمینه عاطفه و احساسات را آفریده است لکن وی بجای شناخت همه آنها، پول را می‌شناسد و افزایش سرمایه برای او ملاک است و بس. ولی قرآن مجید دستور می‌دهد

۱ (وسائل الشیعه جلد ۱۲ صفحه ۴۲۳)

«وَإِنْ كَانَ ذُو عُسْرَةٍ فَنَظِرَةٌ إِلَىٰ مَيْسَرَةٍ وَأَنْ تَصَدَّقُوا خَيْرٌ لَّكُمْ
إِنْ كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ»^۱

اگر بدهکار تنگدست بود مهلتی باید داد تا توانگر گردد
و اگر دانا باشید خواهید دانست که چون بر او ببخشایید
برایتان بهتر است.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «شَرُّ الْكَسْبِ كَسْبُ الرَّبَا»^۲
بدترین نوع کسب، کسب ربوی است.

عَنِ الصَّادِقِ (عَلَيْهِ السَّلَامُ): «أَلَمَّا شُدِّدَ فِي تَحْرِيمِ الرَّبَا لَمَّا لَا يَمْتَنِعُ النَّاسُ
مِنْ اصْطِنَاعِ الْمَعْرُوفِ قَرْضًا أَوْ رِفْدًا»^۳
امام صادق (علیه السلام) فرمود: تأکید در حرام بودن ربا بدین
دلیل است که مردم از انجام عمل معروفی همانند قرض و
کارهای خوب، خودداری نکنند.

۱ (بقره ۲۸۰)

۲ (کافی جلد ۸ صفحه ۸۲)

۳ (فقه القرآن جلد ۲ صفحه ۴۸)

۷- آثار معنوی

در حلال و حرام خداوند اثرات مثبت و منفی است. به یقین همچنانکه لقمه‌ی حلال اثر مطلوبی بر انسان می‌گذارد لقمه‌ی حرام نیز اثر نامطلوب و مخربی بر فکر و اندیشه و اعمال آدمی خواهد گذاشت و به خاطر همین اثر نامطلوب است که قرآن مجید با لحنی شدید از آن نهی می‌کند:

«وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ كَفَّارٍ أَثِيمٍ»^۱

و خداوند دوست ندارد هر کفران‌کننده‌ی گناه‌کاری را.

ضررهای دیگر ربا:

۱- اقتصاد را در جامعه به هم می‌زند و ثروت را در یک قطب جامعه جمع می‌نماید. یکی از عوامل فاصله میان کشورهای ثروتمند و فقیر همین موضوع است.

۲- مایهٔ بروز جنگ‌های خونین می‌شود، زیرا خمیر مایهٔ همهٔ جنگ و درگیری‌ها، پول و سرمایه و بین طبقات پولدار و بی‌پول است.

۳- عواطف و محبت‌ها را بی‌بنیان و سست می‌کند، زیرا شخص رباخوار فقط پول را می‌شناسد و درصد و درآمد را.

۴- شخص مقروض از رباخوار، پنجهٔ بی‌رحم رباخوار را بر گلوی خویش حس می‌کند و اگر چه به دلیل نیازمندی خویش به سراغ او رفته است اما اکنون که می‌بیند تمام هستی و زندگی‌اش را باید بفروشد تا شکم رباخوار سیر شود، یا خودکشی می‌کند و یا او را می‌کشد و یا مایهٔ بحران اجتماعی شده، درگیری ایجاد می‌کند.

تاریخ ربا و سبب پیدایش آن:

روی برخی لوحه‌های گلی بدست آمده مربوط به چهارهزار سال قبل از میلاد به خط سومری نوشته شده است:

این لوح، اسناد بازرگانی است، و این خود حکایت از وجود فعالیت‌های تجاری در آن زمان می‌کند و از روی اسناد بدست آمده بر می‌آید که قراردادها را با نوشتن و گواهی، محکم و مؤکد می‌کرده‌اند و نیز آیین وام گرفتن در نزد آنان معمول بوده است و کالا یا طلا و نقره را قرض می‌گرفته‌اند و در برابر آن سودی سالیانه در حدود ۱۵ تا ۳۳ درصد به وام دهنده می‌داده‌اند چون در آن زمان پول به حد وفور در اختیار مردم نبوده است معاملات کالایی بوده و ربا از خود کالا دریافت می‌شده است.

در بابل قبل از میلاد صرافخانه در کار نبوده ولی توانگران نسل به نسل به وام دادن طلا و نقره عادت کرده بودند... کاهنان نیز به مردم قرض ربوی می‌دادند و در قوانین بابلی این اصل مسلم بود که هیچکس حق نداشت پول قرض کند مگر آنکه خود را مسئول پرداخت بداند، به همین جهت وام

دهنده می‌توانست در صورت عدم وصول آن، فرزند طلبکار را به گروگان بگیرد.^۱

منتسکیو می‌نویسد:

برای رواج تجارت باید پول نفع داشته باشد به شرط آنکه نفع از حدود معینی تجاوز نکند و چنانچه پول نفع نداشته باشد موجب رکود تجارت می‌شود ولی از آنجایی که باید همواره کار جامعه راه بیفتد برای پول، سود غیررسمی در نظر گرفته شده است و این موجب رواج رباخواری گردید.^۲

از مجموع مطالب منقول از دانشمندان فوق الذکر چنین نتیجه گرفته می‌شود که: رباخواری در زمان‌های قدیم نیز مذموم بوده و ربا دهنده و گیرنده می‌دانسته‌اند که رباخواری یک نوع ظلم است و نیز معلوم می‌شود که در آن زمان جامعه به دو دسته رباخوار و ربا دهنده تقسیم می‌شده است و حتی

۱ (تاریخ تمدن ج ۱)

۲ (روح القوانين صفحه ۶۱۹)

در مکه و در حین نزول قرآن مجید به دلیل اینکه آن شهر مرکز تجارت و داد و ستد بود مسئله رباخواری رواج داشته و حتی در میان منسوبین خود پیامبر این بلیه رایج بوده است که رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در سفر حجّه الوداع در حین سخنرانی فرمود:

تمام انواع ربا ممنوع و ملغی است و هر کس باید سرمایه اصلی خودش را بخواهد، نه ظلم کنید و نه ظلم بپذیرید، خداوند حکم کرده است که ربا نباشد و ربای عباس بن عبدالمطلب هم ملغی است و او هم نباید زیادترا از اصل پولش را بخواهد.^۱

در روایت ذیل اهمیت قضیه از خشم امام مشخص است:

بَلَغَ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «عَنْ رَجُلٍ أَنَّهُ كَانَ يَأْكُلُ الرِّبَا وَيُسَمِّيهِ اللَّبَاءَ فَقَالَ لَنْ أَمْكَنِي اللَّهُ مِنْهُ لِأَضْرِبَنَّ عُنُقَهُ»^۲

۱ (سیره ابن هشام جلد ۲)

۲ (وسائل الشیعه جلد ۱۸ صفحه ۱۲۵)

امام صادق (علیه السلام) رباخواری را دید که اعتقاد داشت ربا حلال است، همانطور که شیر آغوز مادر برای طفل حلال است.

امام (علیه السلام) در ادامه فرمود: اگر امکانات اجرای حدود الهی را داشتم گردنش را می‌زدم.

علت‌های حرمت ربا:

۱- فساد مالی:

قال الرضا (علیه السلام): «...إِنَّمَا نَهَى اللَّهُ عَنْهُ لِمَا فِيهِ مِنْ فَسَادِ الْأَمْوَالِ»^۱

خداوند از ربا نهی کرده است زیرا فساد اموال در آن است.

۲- ظلم:

قال الله تعالى: «لَا تَظْلِمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ»^۲

۱ (عیون أخبار الرضا (علیه السلام) جلد ۲ صفحه ۹۳)

۲ (بقره ۲۷۹)

نه ظلم کنید و نه مورد ظلم واقع شوید.

۳- نابودی مال:

قال الله تعالى: «يَمَحَقُ اللَّهُ الرِّبَا وَرُبِّي الصَّدَقَاتِ»^۱
ربا محو می‌شود و صدقات است که رشد می‌کند.

۴- رواج سود جوئی:

قال الرضا عليه السلام: «رَغَبَةُ النَّاسِ فِي الرِّبْحِ وَتَرْكُهُمُ الْقَرْضَ»^۲
مردم به سود و بهره تمایل پیدا می‌کنند و قرض دادن را
ترک می‌کنند.

۵- ترک کارهای نیک:

قال الصادق عليه السلام: «إِنَّمَا حَرَّمَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ الرِّبَا كَيْلًا يَمْتَنِعُوا
مِنْ صَنَائِعِ الْمَعْرُوفِ»^۳

۱ (بقره ۲۷۶)

۲ (عیون أخبار الرضا عليه السلام جلد ۲ صفحه ۹۴)

۳ (من لا يحضره الفقيه جلد ۳ صفحه ۵۶۶)

ربا به خاطر این حرام شد که سیر صنایع و کارهای نیک و متعارف فراموش نشود.

۶- کفر:

قال الرضا عليه السلام: «وَالِإِسْتِخْفَافُ بِذَلِكَ دُخُولٌ فِي الْكُفْرِ»^۱
سبک شمردن ربا باعث دخول در ورطه کفر می‌شود.

۷- اجتناب از بی‌برکتی:

قال الله تعالى: «يَمْحَقُ اللَّهُ الرِّبَا وَيُزِيلُ الصَّدَقَاتِ»^۲
خدا ربا را از بین می‌برد ولی صدقات را رشد می‌دهد.
و نیز ربا موجب قطع رابطه بین ثروت و کار، و تعطیل
قوای انسانی و تولیدگر است و در نهایت یک نوع سرقت و
دزدی به حساب می‌آید. فقیر، فقیرتر می‌شود و موجب دلهره
ثروتمند و فقیر و همچنین اضطراب جامعه می‌شود.

۱ (همان)

۲ (بقره ۲۷۶)

نکاتی در احکام ربا:

۱- در قدیم برای یک معامله ربوی شاید چهار یا پنج نفر بیشتر آلوده به گناه نمی‌شدند: ربا دهنده، گیرنده، کاتب و شاهد، ولی امروز یک شبکه ربوی چندین هزار نفر کارمند دارد و همگان در این گناه شرکت دارند.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «أَكَلُ الرِّبَا، وَمُوكَلُّهُ، وَكَاتِبُهُ، وَشَاهِدَاهُ فِيهِ سَوَاءٌ»^۱

خورنده ربا، و نویسنده و دو شاهدش، در گناه مساوی‌اند.
 ۲- اینکه ربا تنها در چیزهایی است که کیل و وزن دارند، بدان دلیل است که در قدیم معاملات به چهار صورت انجام می‌شد:

الف: کیل و پیمان، ب: وزن، ج: شمردن، د: تخمین و مشاهده‌ای.

۳- فلسفهٔ تحریم ربا، فاصله بین مردم ایجاد کردن است ولی در اعضاء خانواده، نظر به اینکه فاصله‌ای ایجاد نمی‌شود ربا حرام نیست مانند: ربا بین پدر و فرزند، بین زن و شوهر، بین مولا و بنده‌اش.

۴- ربا دهنده و ربا گیرنده، هر دو محکومند:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ «الْأَخِذُوا بِالْمُعْطَى سِوَاءَ فِي الرَّبَا»^۱

گیرنده و دهندهٔ ربا در گناه مساوی‌اند.

۵- همچنان که گردانندگان سیستم قرض الحسنه همگی در ثواب آن شریکند، گردانندگان سیستم ربوی که زیاد هم هستند و برخلاف زمان قدیم به صورت علنی و رایج هم مشغول به کار هستند همگی در گناه ربا سهیم و شریک می‌باشند و مشمول این خطاب قرآن هستند که:

«وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ»^۲

۱ (نهج الفصاحه حدیث ۱۰۵۰)

۲ (مائده ۲)

برای گناه و دشمنی به یکدیگر کمک و یاری نکنید.

فهرست انواع مبادلات:

معمولاً مبادلات به یکی از چند صورت زیر انجام می‌گیرد:

۱- مبادله کار به کار: کشاورزی برای کسی کار می‌کند تا وقت برداشت خودش، او نیز برایش به عوض کاری که کرده است کار کند.

۲- مبادله کار به پول: کارگری که به عوض مزد برای کسی کار می‌کند.

۳- مبادله پول به کار: شخصی پول می‌دهد و تولید دیگری را می‌خرد، مثل حق التألیف.

۴- مبادله پول به کالا: شخصی پول می‌دهد و برنج و گوشت می‌خرد که بسیار رایج است.

۵- مبادله کالا به پول: تولید کننده قالی یا میوه تولیدش را می‌فروشد.

- ۶- مبادله کالا به کالا: مانند دادن گندم و گرفتن برنج، دادن قالی و گرفتن قند و شکر که معامله پایاپای نام دارد.
- ۷- مبادله کالا به انتفاع: شخص کالایی بدهد و از سکونت در خانه او استفاده کند که البته باید میزان انتفاع معلوم باشد.
- ۸- مبادله پول به انتفاع: شخصی خانه‌ای را در اجاره دارد و اجازه هم دارد به دیگری هم اجاره دهد و آن انتفاعی که باید خودش از آن ببرد را به پول مبادله کند.
- ۹- مبادله انتفاع به انتفاع: دو حق انتفاع با هم مبادله می‌شود، مانند حق استفاده از ماشینی که در اجاره دارد به کسی که حق استفاده از خانه را دارد.
- ۱۰- کالا یا پول یا غیر آن به صورت مجانی: مثل هبه و صدقه و مصالحه که یک مبادله مجانی است.
- ۱۱- مبادله پول به پول: که مورد بحث ماست و یک نوعش ربای قرضی و مورد ابتلای جامعه است، ۱۰۰ تومان می‌دهد تا ۱۱۰ تومان بگیرد یا ۱۰۰ تومان می‌دهد تا ۱۰۰

تومان و یک کیلو گندم بگیرد، یا ۱۰۰ تومان می‌دهد تا ۱۰۰ تومان بگیرد و یک روز نیز برایش کار کنند. اینها تفاضلی و حرام و ریاست لکن ۱۰۰ تومان می‌دهد تا ۱۰۰ تومان خودش را پس بگیرد، این قرض است و پسندیده و حلال و مستحب است.

حیله یا چاره شرعی

راه حلی که بتوان از حرام به سمت حلال رهسپار شد و با موازین دینی و شرعی هم منطبق باشد و بنا به تعبیر کتاب شریف وسائل الشیعه «الفرار من الحرام إلى الحلال» را برخی حیله شرعی و برخی چاره شرعی نام نهاده‌اند که در اینجا جهت تکمیل بحث به برخی از آنها اشاره می‌کنیم، با این توضیح که بحث عمیق فقهی در هر کدام از این موارد نیاز به دقت و مجال بیشتری دارد و در شأن فقها عظام می‌باشد، و اما بعضی از راه‌ها:

۱- اضطرار: یکی از توجیهاتی که در فرار از حرام به حلال راه را هموار می‌کند و پلی برای عبور از حلال به حرام به حساب می‌آید اضطرار است. شما به خوبی می‌دانید که گاهی در موقع اضطرار «اکل میته» یعنی خوردن مردار جایز شمرده شده است و در روایات آمده است که صورت معامله ربوی را به امام عرضه داشتند و حضرت چون وضعیت را اضطراری دانستند اجازه دادند و معنای آن این است که این حالت غیرعادی است و در غیر حالت اضطرار حکم اسلام غیر از این می‌باشد.

مرحوم سید کاظم یزدی رحمته الله صاحب کتاب عروة الوثقی

می‌فرماید:

«و إذا اضطر الدافع و لا مندوحة فالأقرب ارتفاع التحريم

فی حقه»

اگر پرداخت کننده وام چاره‌ای جز این که وام را به اضافه
بپردازد نداشته باشد حرمت از گردن او برداشته می‌شود.^۱
۲- بیع، نه قرض: توجیه دومی که ممکن است برای فرار
از ربا بیاوریم این است که بگوییم آنچه که حرام قطعی است
ربای قرضی است و حرمت ربا در نسیه است. «لارِباً إِلَّا فِي
النَّسِيَةِ: لارِباً إِلَّا فِي الدِّينِ»

ربا در لغت: «الربا الزيادة على رأس المال لكن خص في
الشرع ربا لزيادة على وجه دون وجه»
ربا افزایش سرمایه است، اما در شرع اسلام به معنی یک
نوع بخصوص اضافه سرمایه است نه مطلق افزایش.^۲ و هو
في الشرع الزيادة على أصل المال من غير عقد تباع.

۱ (عروه الوثقی)

۲ (مفردات راغب صفحه ۱۸۷)

ربا در شرع اسلام یک نوع اضافی گرفتن از سرمایه در خارج از متن عقد است.^۱

«الربا فی الأصل الزیادة و فی عرف الشارع بیع أحد المثلین بالآخر مع الزیادة»

ربا در اصل، زیاده گرفتن و در عرف شارع اسلام، فروختن یکی از دو جنس مکیل و موزون به زیادتر می‌باشد.^۲

رباخوار و اموال ربوی در حکم فقهی:

آنچه از روایات و فتاوی فقهاء استفاده می‌شود این است که اگر رباخوار از روی اعتقاد و علم و آگاهی و نه از راه اجتهاد در بعضی از مسائل، ربا را حلال بداند کافر است چون اصل حرمت ربا واضح است.

قال الله تعالی: «أَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَحَرَّمَ الرِّبَا»^۳

۱ (لسان العرب)

۲ (مقداد بن عبدالله سیوری جلد ۲)

۳ (بقره ۲۷۵)

و در نتیجه منکر ربا منکر ضروری دین است.

اما چون رباخواران دارای اعتقادات مختلفی بوده‌اند حکم آنان هم بر اساس عقایدشان بیان گردیده است. اگر شخصی رباخوار، عالم به حکم ربا نباشد و جاهل قاصر باشد مورد عفو قرار می‌گیرد و باید از ادامه آن دست بردارد و به اصل سرمایه خود اکتفا کند و فرع آن را نگیرد و اگر گرفته، به صاحبش برگرداند و اگر از اموال ربوی سرمایه گذاری نموده و از آن تولیدات پیدا کرده یعنی سود، سود آورده و این به صورت تصاعدی بالا رفته باید فرع و سود را پس از خرج و مخارج هزینه تولید به صاحبان آن برگرداند و اگر شخص رباخوار فوت کرده است، قبل از آنکه مالش را بین ورثه تقسیم کنند باید اموال ربا را به صاحبانش برگرداند و اگر صاحبان آن مال مرده باشند به ورثه آنها و اگر مجهول باشند و آنان را شناسند حکم مجهول المالک بر آن اجرا می‌گردد.

ربا در روایات:

عبدالله بن فضل هاشمی گفت: به امام صادق (علیه السلام) عرض کردم: معنی قول نمازگزار که در هنگام تشهد مستحب است بگوید:

«لِلَّهِ مَا طَابَ وَطَهِّرْ وَمَا خَبِثَ فَلِغَيْرِهِ» چیست؟ فرمود:

«مَا طَابَ وَطَهِّرْ كَسْبُكَ الْحَلَالَ مِنَ الرِّزْقِ وَمَا خَبِثَ قَالَ رَبِّا»^۱

آنچه طیب و طاهر می‌باشد درآمد و کسب حلال تو از

رزق است و آنچه خبیث شمرده شده ربا می‌باشد.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «أَلَا إِنَّ كُلَّ رَبَائِي فِي الْجَاهِلِيَّةِ مَوْضُوعٌ لَكُمْ

رُءُوسُ أَمْوَالِكُمْ لَا تَظَاهُمُونَ وَلَا تُنْظَمُونَ»^۲

رسول خدا ﷺ در آخرین سفر خویش فرمودند: آگاه

باشید، هرچه از ربا که در دوران جاهلیت بود کنار گذاشته

۱ (وسائل الشیعه جلد ۱۸ صفحه ۱۲۲)

۲ (تفسیر المیزان جلد ۲ صفحه ۴۲۶)

است، برای شماس‌ت اصل سرمایه و رأس المالتان، نه ظلم کنید، نه مورد ستم قرار گیرید.

به امام صادق (علیه السلام) عرض شد که می‌بینم مردی ربا می‌خورد و مال فراوانی بدستش آمده و جمع کرده است، این چگونه است؟ حضرت فرمود: دین او از دستش رفته است، اگر چه مالش زیاد شده باشد.^۱

قال الباقر (علیه السلام): «دِرْهَمٌ رِبَاً أَعْظَمُ عِنْدَ اللَّهِ مِنْ أَرْبَعِينَ زَيْتَةً»^۲

یک درهم ربا در نزد خدا از چهل زنا بزرگتر است.

قال الصادق (علیه السلام): «الرِّبَا سَبْعُونَ بَاباً أَهْوَنُهَا عِنْدَ اللَّهِ كَالَّذِي

يَنْكِحُ أُمَّهُ»^۳

برای ربا هفتاد باب از گناه است که یکی از آنها مثل گناه

کسی است که با مادرش همبستر شود.

۱ (بحار الانوار جلد ۱۰۳ صفحه ۱۱۶)

۲ (بحار الانوار جلد ۱۰۳ صفحه ۱۱۶)

۳ (وسائل الشیعة، ج ۱۸، ص: ۱۲۳)

قال علی علیه السلام: «مَنْ اتَّجَرَ بِغَيْرِ فِقْهِ ارْتَضَرَ فِي الرَّبَا»^۱

کسی که بدون فقه دست به تجارت بزند وارد ربا خواهد

شد.

قال النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «لَا يَقْبَلُ اللَّهُ صَلَاةَ حَمْسَةِ نَفَرٍ إِلَّا بِقٍ مِنْ سَيِّدِهِ
وَأَمْرًا لَا يَرْضَى عَنْهَا زَوْجُهَا وَمُدِينِ الْخَمْرِ وَالْعَاقِّ وَآكِلِ الرَّبَا»^۲

خداوند نماز پنج نفر را قبول نمی‌کند:

- ۱- بنده‌های که از مولایش فرار کند.
- ۲- زنی که شوهرش از دستش راضی نباشد.
- ۳- کسی که دائماً شراب می‌نوشد.
- ۴- کسی که مورد غضب و عاق والدین است.
- ۵- کسی که ربا می‌خورد.

۱ (نهج البلاغه حکمت ۴۴۷)

۲ (مستدرک الوسائل جلد ۱۳ صفحه ۳۳۲)

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «يَقُومُءَ أَكْلِ الرِّبَا مَكْتُوبًا بَيْنَ عَيْنَيْهِ لِاحْتِجَابَةِ لَهُ عِنْدَ اللَّهِ»^۱

خورنده ربا در دادگاه الهی می‌ایستد و بر پیشانی و بین دو چشمش نوشته است: هیچ حجتی و عذری از او پذیرفته نیست.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «الْأَخِذُوا الْمُعْطَى سِوَاءَ فِي الرِّبَا»^۲
گیرنده و دهنده ربا همانند یکدیگرند.

رسول خدا ﷺ فرمود: جمعی را در شب معراج دیدم که شکم آنها مانند خانه‌های پر از مار بود که مارها از خارج شکم هایشان دیده می‌شدند. از جبرئیل پرسیدم: اینان کیانند؟ گفت: اینان خوردگان ربا می‌باشند.^۳

قَالَ الصَّادِقُ ع: «إِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِقَوْمٍ هَلَاكَ أَظْهَرَ فِيهِمُ الرِّبَا»^۴

۱ (کنز العمال خ ۴۳۹۵۸)

۲ (نهج الفصاحه حدیث ۱۰۵۰)

۳ (المیزان جلد ۴)

۴ (وسائل الشیعه جلد ۱۸ صفحه ۱۲۳)

هر وقت خداوند بخواهد جامعه‌ای را تباہ سازد ربا در میان آنان رواج پیدا می‌کند.

راه‌های پیشگیری از ربا:

برای جلوگیری از رواج ربا و رباخواری باید تدابیری اندیشید که زمینه این گناه از جامعه محو شده یا کم شود و آن راه‌ها از این قرارند:

- ۱- آموزش مردم و آگاه ساختن آنان به مسائل مربوط به معامله‌ها و تجارت‌ها از طریق علما و فضلا و مبلغان و اختصاص دادن بخشی از درس‌های حوزه‌های شهرستان‌ها به کسبه بازار برای یادگیری فقه تجارت و نیز نوشتن رساله‌های مختصری که حاوی مسائل مربوط به کسب و کاسبی می‌باشد.
- ۲- کلاس‌هایی از سوی انجمن اسلامی بازار صرفاً برای یاد دادن مسائل فقهی به وسیله فضلا و روحانیون محترم،

تشکیل و برای کسبه تبیین مسائل فقهی شود و حتی در بعضی از مراحل الزامی باشد و امتحاناتی نیز قرار داده شود.

۳- پوسترهایی که مسائل مربوط به حلال و حرام و معاملات ربوی و غیره است، به صورت مختصر و گویا و رسا، چاپ و به مغازه‌ها داده شود تا همچون صورتحساب خرید اجناس که نگاه می‌کنند جلو دید و نظرشان باشد و حتی در کارخانه‌ها و مراکز تولید در محل دفتر کارشان نصب شود.

۴- تأمین سرمایه‌های لازم برای کسانی که فعالیت‌های تولیدی دارند تا اینکه نیازمند به قرض از رباخواران نشوند.

۵- بیمه و تعاونی‌های اجتماعی و دادن وام از سوی بانک‌ها گسترش یابد تا کشاورزان و تولیدگران، مجبور به گرفتن وام از رباخواران نباشند.

۶- توجیه رؤسای بانک‌ها برای توضیح به مردم در خصوص عقود اسلامی و عمل بر سیره اسلام در بانک‌ها

جهت تسهیلات در امر دادن وام به کسانی که دستی در تولید دارند.

۷- توضیح مسائل مربوط به عقود اسلامی در بانک‌ها به مردم تا دیگرانی که شغلشان را رباخواری قرار داده‌اند به بهانه اینکه ما هم مانند بانک‌ها هستیم توجیه غلطشان خریدار نداشته باشد.

۸- تهیه فیلم و نمایشنامه در سیمای جمهوری اسلامی در مذمت رباخواری و رباخواران.

۹- تشکیل دادگاه‌هایی که به پرونده رباخواران رسیدگی جدی کنند.

۱۰- در مساجدی که ظهر و شب بازاربان جهت نماز شرکت می‌کنند به صورت مختصر مسأله و حدیثی درباره ربا گفته شود.

احتکار

قال علی رضی الله عنه: «المُحْتَكِرُ أَثَرُ عَاصٍ»^۱

محتکر (انبار کننده کالا) گناهکاری سرکش است.

از جمله لقمه‌های نامناسبی که اثر سوء آن دامن فرد و جامعه را می‌گیرد لقمه بدست آمده از احتکار است. احتکار به معنی انبار کردن ارزاق عمومی مردم جهت گران شدن و سود بیشتر بردن است و این عمل در تعالیم الهی ممنوع شده است زیرا سودی است برای فرد، منتها به قیمت زیان به جامعه.

در تعالیم اسلام درباره تجارت و کسب حلال سفارشات فراوانی شده است و یکی از سنت‌های پسندیده دین بشمار می‌آید و به همان میزانی که در توصیف کسب حلال تأکید

گردیده است درباره انبار کردن ارزاق مردم مذمت گردیده است.

امیرمؤمنان علیه السلام فرمودند: این صفت دلیل بیگانگی افراد با یکدیگر می‌باشد و اجنبی‌ها نسبت به مسلمانان دست به چنین کار ناجوانمردانه‌ای می‌زنند.

قال علی علیه السلام: «مَنْ طَبَّاعِ الْأَعْمَارِ إِيْتَابُ التُّفُوسِ فِي الْإِحْتِكَارِ»^۱

از طبیعت و سرشت بیگانگان است که مردم را در احتکار اجناس به رنج و تعب اندازند.

مفهوم احتکار:

در باب این که به چه چیزی احتکار می‌گویند از زبان رسول خدا صلی الله علیه و آله آمده است که فرمود:

۱ (غزوالحکم جلد ۲ صفحه ۲۵۴)

«الْحُكْرَةُ أَنْ يَشْتَرِيَ طَعَامًا لَيْسَ فِي الْمِصْرِ غَيْرُهُ فَيَحْكُرُهُ»^۱

انبار کردن و احتکار کردن این است که کسی طعامی را بخرد و انبار کند که در شهر جز آن نباشد.

انسان‌ها به هم پیوسته و با هم مانوسند و وجدان بیدار یک فرد از این جمعیت هرگز به خود اجازه انبار کردن ارزاق و مایحتاج مردم را نمی‌دهد محکمه وجدان آنقدر قوی است که خواب و استراحت را از شخص محتکر می‌گیرد مگر اینکه آنقدر این گناه تکرار شود یا لقمه‌های حرام اثر خود را آنچنان بگذراد که دل را به قساوت فرا گرفته و وجدان او به خواب برود و آلا کدام آدم با وجدان به خود اجازه می‌دهد که مردم اعم از پیر و جوان و کودک و ضعیف و قوی محتاج باشند و جانشان در معرض خطر باشد و او جهت سود شخصی خودش اموال مورد نیاز مردم را انبار کند؟!

۱ (مَجْمَعُ الْبَيْضَاءِ جلد ۳ صفحه ۱۶۹)

«نَهَى أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام عَنِ الْحُمْرَةِ فِي الْأَمْصَارِ»

حضرت امیرمؤمنان علیه السلام از انبار کردن (ارزاق) در شهرها

نهی فرمودند.

حکم اموال احتکاری:

در اسلام علاوه بر اینکه حقوق انسان‌ها محترم است حقوق حیوانات نیز محترم است و در روایات اسلامی همچنانکه از انبار کردن ارزاق عمومی انسان جلوگیری و نهی شده، از انبار کردن علوفه حیوانات نیز نهی شده است و حکمش این است که گرفته شود و با نرخ عادلانه به فروش برسد.

مردم در هر جامعه‌ای امیدوارند که از سوی خداوند روزی می‌خورند و در حقیقت مردم به امید، زنده‌اند. جلوگیری از

ارزاق عمومی و مایحتاج مردم باعث دلهره و یأس آنها شده، امیدشان بدل به ناامیدی می‌شود.

قال علی علیه السلام: «الاحتکار دَاعِيَةُ الحِرْمَانِ»^۱

احتکار، موجب محرومیت است.

ظرف زمانی احتکار:

به هر نوع خرید و نگهداری و فروش اجناس، احتکار گفته نمی‌شود که اگر چنین بود معاملات و کسب و تجارت تعطیل می‌شد لکن در زمانی که مردم در تنگنا نسبت به برخی ارزاق قرار دارند و یا زمانی که وضع مردم بهتر است میزان گناه احتکار فرق می‌کند.

عن الصادق علیه السلام: «الحُكْرَةُ فِي الحِصْبِ أَرْبَعُونَ يَوْمًا وَ فِي الشَّدَّةِ وَ البَلَاءِ ثَلَاثَةٌ أَيَّامٍ فَمَا زَادَ عَلَى الأَرْبَعِينَ يَوْمًا فِي الحِصْبِ

فَصَاحِبُهُ مَلْعُونٌ وَمَا زَادَ عَلَى ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ فِي الْعُسْرَةِ فَصَاحِبُهُ
مَلْعُونٌ»^۱

از حضرت امام صادق علیه السلام روایت است که انبار کردن کالا در حال فراوانی؛ چهل روز، و در زمان سختی و گرفتاری سه روز است که اگر در زمان فراوانی یک روز از چهل روز بگذرد صاحبش نفرین شده و ملعون است، و در زمان سختی و گرفتاری بیش از سه روز بگذرد صاحب کالا ملعون است.

احتکار، رذیله اخلاقی

انسان کریم، کرامت نفس و نیز سخاوتش ایجاب می‌کند که از گرسنگی مردم رنج ببرد و طبع کریمانه‌اش اجازه نمی‌دهد که او سیر باشد و دیگران گرسنه. هیچ انسان با شرافتی در پیش

روی افراد گرسنه حاضر به خوردن غذا نمی‌شود و این را از پستی و دنائت طبع می‌داند.

قال امیرالمؤمنین علیه السلام: «الِإِحْتِكَارُ رِذِيلَةٌ»^۱

احتکار و انبار کردن کالا، پستی و رذیلت است.

منع از احتکار در بیان ائمه علیهم السلام

من کتاب عهدِ علی علیه السلام: «كُنْ أَسْتَوْصِ بِالتُّجَّارِ وَ ذَوِي

الصَّنَاعَاتِ... فَأَمْنَعُ مِنَ الإِحْتِكَارِ فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله مَنَعَ مِنْهُ»^۲

در عهدنامه حضرت علی علیه السلام به مالک اشتر نخعی آمده

است که به تجار و صنعتگران سفارش کن و آنها را از احتکار

اجتناب ده که سیره رسول خدا صلی الله علیه و آله نیز منع از این عمل خلاف

بود.

۱ (غزوالحکم جلد ۱ صفحه ۹)

۲ (نهج البلاغه نامه ۵۳)

مُعْتَب می‌گوید: امام صادق علیه السلام به من فرمود: قیمت ارزاق در شهر مدینه در حال فزونی است، چقدر گندم داریم؟ عرض کردم: آنقدر گندم داریم که ماههای بسیار ما را کفایت می‌کند.

امام علیه السلام فرمود: گندم را ببر بیرون و بفروش.

وقتی گندم را فروختم امام به من فرمود: با مردم شهر روز به روز طعام بخر و فرمود: ای مُعْتَب! خوراک خانواده‌ام را نیمی از جو و نیمی از گندم تهیه کن زیرا خداوند می‌داند که من می‌توانم به خانواده‌ام یکسره گندم بخورانم آنگاه فرمود:

«وَلِكُنِّي أَحَبُّ أَنْ يَرَانِي اللَّهُ قَدْ أَحْسَنْتُ تَقْدِيرَ الْمَعِيشَةِ»^۱

ولی دوست دارم که خداوند مرا ببیند که در امور معیشت اندازه نگه می‌دارم.

همان مُعْتَب که از روش عملی امام صادق علیه السلام فرازی را نقل کرد می‌گوید: سیره امام هفتم حضرت موسی بن جعفر علیه السلام نیز چنین بود:

كَانَ أَبُو الْحَسَنِ عليه السلام «يَأْمُرُنَا إِذَا أَدْرَكَتِ الثَّمَرَةُ أَنْ نُخْرِجَهَا
فَتَبِعَهَا وَنَشْتَرِي مَعَ الْمُسْلِمِينَ يَوْمَ أَيَّوْمٍ»^۱

هنگامی که میوه می‌رسید و قابل خوردن می‌شد حضرت ابوالحسن امام کاظم علیه السلام به ما می‌فرمود: میوه‌ها را بیرون ببریم و بفروشیم و میوه مورد نیازمان را روزانه با مردم مسلمان بخریم.

کسانی که ارزاق مردم را انبار کرده و گران می‌فروشند کارشان را یک نوع زیرکی و فکر اقتصادی صحیح می‌دانند که به وسیله آن به آلاف و الوف می‌رسند تا زندگی امروز و آینده خود را تأمین داشته باشند، لکن از این مسئله بی‌خبرند

۱ (وسائل الشیعة جلد ۱۷ صفحه ۴۳۷)

که خیر و برکتی در چنین درآمدهایی نیست و انسان به جرم این که مردم را مبتلای به کمبود کرده است در همین دنیا مبتلا می‌شود و در آخرت نیز عذاب الهی خواهد داشت.

شخصی به نام «حکیم بن حزام» در مدینه بود که هر وقت کالایی وارد مدینه می‌شد آن‌ها را می‌خرید و انبار می‌کرد و به این کار مشهور شده بود. رسول خدا ﷺ او را دید و فرمود:

«يَا حَكِيمُ إِيَّاكَ وَأَنْ تَحْتَكِرَ قَالَ وَكُلُّ حُكْرَةٍ تُضِرُّ بِالنَّاسِ وَتُعَلِّي السَّعَرَ عَلَيْهِمْ فَلَا خَيْرَ فِيهَا»^۱

فرمود: ای حکیم! از احتکار کردن بپرهیز، و فرمود: هر احتکاری که به مردم زیان و آسیب می‌رساند و قیمت را گران می‌کند پس ناپسند است و خیری در آن نمی‌باشد.

اجناس مشمول احتکار

هر جنسی با خریدن و نگهداری و با بازاریابی برای فروختن مشمول احتکار و فعل حرام نمی‌باشد بلکه احتکار مربوط است به ارزاق عمومی و مایحتاج مردم که بیشترین نیاز مردم به آنهاست.

عن غِیَاثٍ عَنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: «لَيْسَ الْحُكْرَةُ إِلَّا فِي
الْحِنْطَةِ وَالشَّعِيرِ وَالثَّمْرِ وَالزَّيْبِ وَالسَّمْنِ»^۱

غیاث می‌گوید: حضرت امام صادق علیه السلام فرمود:

احتکار (انبار کردن کالا) جز در گندم، جو، خرما، کشمش

و روغن نیست.

مجازات محتکر:

۱- امیرمؤمنان (علیه السلام) به شخصی به نام «رُفاعه» نوشت: مردم را از احتکار کردن باز مدار و هرکس خلاف نهی تو عمل کند:

«فَأَوْجِعُهُ ثُمَّ عَاقِبُهُ بِأَظْهَارِ مَا احْتَكَرَ»^۱

او را برنجان و با عرضه کردن آنچه را احتکار کرده و در اختیار عموم قرار دادن آن، او را شکنجه کن.

۲- امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید: در زمان رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) کندم که طعام مردم بود کمیاب شد. مسلمانان به نزد حضرت آمده عرض کردند: ای رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) طعام (گندم) کمیاب شده و جز اندکی نزد فلان نمانده است، دستور دهید تا آن را به مردم بفروشد. امام فرمودند: رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) حمد و ثنای الهی گفته آنگاه فرمود:

«يَا فُلَانُ إِنَّ الْمُسْلِمِينَ ذَكَرُوا أَنَّ الطَّعَامَ قَدْ نَفِدَ إِلَّا شَيْئًا
عِنْدَكَ فَأَخْرِجْهُ وَبِعْهُ كَيْفَ شِئْتَ وَلَا تَحْبِسْهُ»^۱

مسلمانان می‌گویند: گندم کمیاب است و مقداری نیز نزد تو
موجود می‌باشد، گندم موجود را بیاور و هر طور که می‌خواهی
بفروش و انبارش مکن.

۳- امیر مؤمنان علیه السلام می‌فرماید: رسول خدا صلی الله علیه و آله بر احتکار
کنندگان گذشت و به آنان دستور داد که اموال احتکار شده را
در میان بازار بگذارید که مردم آنها را ببینند.^۲

احتکار در روایات:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: «بَشَسَ الْعَبْدُ الْمُحْتَكِرُ، إِنْ أَرَخَصَ اللَّهُ
تَعَالَى الْأَسْعَارَ حَزَنَ وَإِنْ أَغْلَاهَا اللَّهُ فَرَحَ»^۳

۱ (کافی جلد ۵ صفحه ۱۶۴)

۲ (الإستبصار جلد ۳ صفحه ۱۱۵)

۳ (نهج الفصاحه حدیث ۱۰۷۹)

چه بد بنده‌ای است بنده‌ای که محترک باشد، که اگر خدای تعالی نرخ را ارزان کند اندوهگین شود و اگر گران فرماید شادمان گردد.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «الْجَالِبُ إِلَى سُوقِنَا كَالْمُجَاهِدِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُحْتَكِرُ فِي سُوقِنَا كَالْمُلْحِدِ فِي كِتَابِ اللَّهِ»^۱

کسی که طعام و لوازم ضروری زندگی مردم را فراهم کند و به بازار ما بیاورد همچون کسی است که در راه خدا پیکار می‌کند و کسی که مایحتاج مردم را انبار و حبس می‌کند در کتاب خدا همچون ملحد است.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «مَنْ احْتَكَرَ حُكْرَةً يُرِيدُ أَنْ يُغْلِي بِهَا عَلَى الْمُسْلِمِينَ فَهُوَ خَاطِئٌ وَقَدِ بَرِئَتْ مِنْهُ ذِمَّةُ اللَّهِ وَرَسُولِهِ»^۲

۱ (نهج الفصاحه حدیث ۱۳۱۷)

۲ (کنز العمال حدیث ۹۷۱۹)

هرکس چیزی را انبار کند و بخواهد که آن را به گرانی بر مسلمین عرضه نماید نادرست و خطاکار است و محققاً خدا و رسولش از او بیزارند.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ «مَنْ تَمَنَّى عَلَى أُمَّتِي الْغَلَاءَ لَيْلَةً وَاحِدَةً أَحَبَّ اللَّهُ عَمَلَهُ أَرْبَعِينَ سَنَةً»^۱

هر کس یک شب آرزوی گرانی و بالا رفتن نرخ‌ها را درباره مسلمین بنماید خداوند اعمال چهل سالش را محو و نابود فرماید.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ «طَرَقَ طَائِفَةٌ مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ لَيْلًا عَذَابٌ فَأَصْبَحُوا لَقْدًا وَقَدْ فَقَدُوا أَرْبَعَةَ أَصْنَافِ الطَّبَّالِينَ وَالْمُغْنِينَ وَالْمُحْتَكِرِينَ الطَّعَامَ وَالصَّيَارِفَةَ أَكَلَةَ الرَّبَا مِنْهُمْ»^۲

۱ (کنز العمال حدیث ۹۷۲۱)

۲ (سفینه البحار ج ۲ صفحه ۲۹۱)

شبی بر گروهی از بنی اسرائیل عذابی در رسید، چون صبح شد دیدند چهار گروه ناپدید گشته‌اند: نوازندگان، خوانندگان، احتکار کنندگان و صرافانی که ربا خورده بودند.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «التَّاجِرُ يَنْتَظِرُ الرِّزْقَ وَالْمُحْتَكِرُ يَنْتَظِرُ اللَّعْنَةَ»^۱

فراهم کننده ارزاق (کاسب) به انتظار روزی است و احتکار کننده در انتظار لعنت و نفرین می‌باشد.

قَالَ عَلِيٌّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ: «الْمُحْتَكِرُ الْبَخِيلُ جَامِعٌ لِمَنْ لَا يَشْكُرُهُ وَقَادِرٌ عَلَى مَنْ لَا يَعْذِرُهُ»^۲

احتکار کننده بخیل برای کسی می‌اندوزد و جمع می‌کند که از وی سپاسگذاری نمی‌کند، و به سوی کسی رهسپار می‌شود (خداوند) که عذرش را نمی‌پذیرد.

۱ (نهج الفصاحه حدیث ۱۲۰۰)

۲ (غررالحکم جلد ۱ صفحه ۷۶)

سالم گندم فروش می گوید: حضرت امام ششم علیه السلام به من فرمود: شغلت چیست؟ گفتم: گندم فروشی می کنم، گاهی کسبم رواج دارد و گاهی کساد است و انبار می کنم. امام علیه السلام فرمودند: مردم درباره تو چه می گویند؟ گفتم: می گویند محتکر است. فرمودند: غیر از تو کسی گندم می فروشد؟ گفتم: من یک هزارم آنها نمی فروشم، فرمودند: اشکالی ندارد، همانا در زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله مردی از قریش بود که وی را حکیم حزام می گفتند و چنین بود که هرگاه طعام وارد شهر می شد همه را می خرید که رسول خدا صلی الله علیه و آله بر وی گذشت و به او فرمود: **إِيَّاكَ أَنْ تَحْتَكِرَ** مبادا مایحتاج مردم را احتکار نمایی.

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: هر کس طعامی بخرد و چهل روز آن را به قصد گرانفروشی به مسلمانان انبار کند آنگاه

بفروشد و همه پولش را صدقه و خیرات بدهد لَمْ یَكُنْ كَفَّارَةً
لِّمَا صَنَعَ کفارهی کار زشتی که کرده نخواهد شد.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «وَلَا أَنْ يَلْقَى اللَّهَ الْعَبْدُ سَارِقًا أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ
أَنْ يَلْقَاهُ قَدْ احْتَكَرَ طَعَامًا أَرْبَعِينَ يَوْمًا»^۱

اگر بنده‌ای در روز قیامت خداوند را دیدار کند در حالی
که سارق باشد به نزد من محبوب‌تر است که او را ملاقات
کند در حالی که چهل روز طعام مسلمین را احتکار کرده باشد.

عن علی رضی الله عنه: «مَنْ احْتَكَرَ الطَّعَامَ أَرْبَعِينَ يَوْمًا قَسَا قَلْبُهُ»^۲
هر کس چهل روز طعام مسلمین را انبار کند تیره دل و
سنگدل می‌شود.

۱ (مجموعه ورام صفحه ۲۹۷)

۲ (خصال جلد ۱ صفحه ۲۸۸)

۳ (مجموعه البیضاء جلد ۳ صفحه ۱۶۶)

تصرف بی‌جا در بیت المال

از جمله لقمه‌های دیگر حرام تصرف در بیت المال بدون مجوز می‌باشد. اسلام همچنانکه برای جان انسان‌ها ارزش و شخصیت قائل است، برای اموال آنان نیز احترام و ارزش بسیاری در نظر گرفته است. تلف کردن مال مردم حرام حتی بدگویی نسبت به مال مردم در حکم غیبت افراد است و حرام می‌باشد.

همگان می‌دانند که امیرمؤمنان (علیه السلام) در عهدنامه‌ای که به استاندارش مالک اشتر نخعی نوشت دربارهٔ حفاظت از اموال مردم تأکید و توصیه فرمود. همه شنیده‌اند که آن بزرگوار وقتی بنا بود مذاکره شخصی کند چراغ بیت المال را خاموش کرد که همین چراغ خاموش علی (علیه السلام) همچون نورافکنی پرفروغ فراراه بشر قرار گرفت تا عدالتخواهان راه را از چاه تشخیص و به سوی مسیر حق حرکت کنند.

اسلام دین حیاتبخش و کاملی است هم قانون دارد و هم
الگو.

قانونش قرآن است که می‌فرماید:

«وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُم بَيْنَكُم بِالْبَاطِلِ»^۱

اموالتان را به نحو حرام و باطل نخورید.

و هم الگویی چون امیرمؤمنان (علیه السلام) دارد که در اولین روز

حکومتش فرمود:

«وَاللَّهِ لَوْ وَجَدْتُهُ قَدْ تَزَوَّجَ بِهِنَّ النَّسَاءُ وَمُلِكَ بِهِنَّ الْأِمَاءُ لَرَدَدْتُهُ

فَإِنَّ فِي الْعَدْلِ سَعَةً وَمَنْ ضَاقَ عَلَيْهِ الْعَدْلُ فَالْجَوْرُ عَلَيْهِ أَضْيَقٌ»^۲

به خدا قسم اگر بینم آنچه را عثمان بیهوده از بیت المال

به این و آن بخشیده، مهریه زن یا بهای کنیزان شده باشد آن

را باز می‌گردانم زیرا عدالت گشایش می‌آورد و آن کس که

عدالت بر او گران آید ظلم و ستم بر او گران‌تر خواهد بود.

۱ (بقره ۱۸۸)

۲ (نهج البلاغه خطبه ۱۵)

گفتیم اسلام هم قانون دارد و هم الگو و باید اضافه کنیم که این قانون توسط دو تن از الگوهای اسلام یعنی شخص پیامبر و علی علیه السلام در اول اسلام پیاده شد و باید گفت به همین خاطر درخشنده‌ترین زمانی را که جهت تحقق عدالت اجتماعی سراغ داریم همان زمان حیات این دو بزرگوار است.

ما همچنانکه اموال بیت المال را برای امروز و به نفع خودمان می‌خواهیم باید بدانیم که امانت‌دار آیندگان نیز هستیم، فرزندان آینده ما وارثان ما می‌باشند و درباره عدالت یا اسراف و تبذیر ما قضاوت خواهند نمود.

در زمان حکومت رسول خدا صلی الله علیه و آله و علی مرتضی علیه السلام انفال و خمس و زکات از بیت المال دولت شمرده و مورد احترام بود و حفظ و نگهداری آن با دولت و ملت بود. حال برای اینکه روایاتی در باب حفظ بیت المال را ذکر کرده باشیم، از

این مقدمه می‌گذریم و با موضوع بندی مطالب به این مهم اشاره می‌نماییم:

بخشش در بیت المال

قال علی رضی الله عنه: «جُودُ الْوَلَاةِ بَيْنَ الْمُسْلِمِينَ جَوْرٌ وَخَسْرٌ»^۱

بذل و بخشش بی‌جای حکام از اموال عمومی و بیت المال، ستم و خیانت است.

خیانت در بیت المال

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وسلم: «مَنْ اسْتَعْمَلَنَا مِنْكُمْ عَلَى عَمَلٍ، فَكْتَمْنَا مِحْطًا فَمَا فَوْقَهُ، كَانَ غُلُوبًا يَأْتِي بِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ»^۲

هر کس از شما را که برای کاری گماردیم و او سر سوزنی یا چیزی مهمتر را از ما پنهان دارد، آن خیانت‌گر را همراه با خیانتش روز قیامت خواهند آورد.

۱ (غررالحکم فصل ۲۶ حدیث ۹)

۲ (صحیح مسلم جلد ۳ صفحه ۱۴۶۵)

داستان

به عمر بن عبدالعزیز خبر رسید که یکی از استاندارهایش روزانه ده هزار درهم خرج سفره می‌کند. خلیفه طی نامه‌ای او را خواست و در محل دارالاماره با او گرم صحبت گردید به طوری که وقت نهار گذشت، چند ساعت سخن را با او به درازا کشاند تا این که مهمان خوب گرسنه شود و پس از آن دستور داد سفره آورند. بر سر سفره قدری نان خشک و ظرفی چوبی پر از آش عدس گذاردند. نان خشک را میان آش ریز کردند و چون گرسنه شده بودند با ولع خوردند!

پس از اتمام غذا، رو به استاندار کرد و گفت: شکمی که با آش عدس سیر می‌شود این همه وزر و وبال مردم را برای سیر کردنش به گردن گرفتن چرا؟!.

علی (علیه السلام) و بیت المال

«أَنَّ عَلِيًّا (علیه السلام) كَانَ يَكْنُسُ بَيْتَ الْمَالِ كُلَّ يَوْمٍ جُمُعَةٍ...»^۱

امیر مؤمنان (علیه السلام) روزهای جمعه بیت المال را جارو می‌زد و در آن آب می‌پاشید و دو رکعت نماز می‌خواند و می‌گفت:

«تَسْهَدَانِ لِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ»

این دو رکعت نماز شاهدند که من بیت المال را به موقع در میان مسلمانان تقسیم کردم.

استفاده شخصی از بیت المال

برخی به دلیل اشراف و مسئولیتی که بر برخی از مراکز دارند به خود حق می‌دهند که از بیت المال استفاده‌های شخصی کنند، از ماشین بیت المال، از تلفن و امکانات بیت المال و امثال این‌ها، در حالی که شخص مسئول، امین دولت و ملت است و این اموال به رسم و دیعه در دست اوست. در

۱ (وسائل الشیعه جلد ۱۵ صفحه ۱۰۸)

حدی که مجاز است می‌تواند بهره بگیرد و بیش از آن را حق ندارد.

امام باقر (علیه السلام) از قول رسول اکرم اسلام (صلی الله علیه و آله) نقل می‌کند که فرمود:

پنج کس را من و هر پیامبر مستجاب الدعوه‌ای لعنت کرده است:

۱- کسی که آیه‌ای بر کتاب خدا بیفزاید.

۲- کسی که سنت مرا رها کند.

۳- کسی که قضا و قدر خدا را تکذیب کرده و دروغ

بپندارد.

۴- کسی که حرمت اهل بیت مرا نگه ندارد.

۵- و کسی که اموال عمومی را به خود منحصر سازد و

تصرف آن را به نفع خویش حلال شمارد.^۱

فریب اموال عمومی نخوردن

انسان‌هایی که انسانیت خویش را ارج می‌نهند و خود را برتر از زر و سیم می‌دانند هرگز فریب درهم و دینار دنیا را نمی‌خورند. چنانکه حتی دشمن در وصف علی بن ابی طالب می‌گوید: اگر انباری از طلا پر شود و انباری از کاه، در دیدگاه علی علیه السلام از نظر ارزش یکی است جز اینکه از طلاها در راه خدا بتواند استفاده کند و به صاحبان حق بپردازد.

همین علی علیه السلام پس از فتح بصره جمعی از قاریان و خزانه داران را جمع کرده و دستور داد که درهای بیت المال را باز کنند و با دیدن اموال فرمود:

«يَا صَفْرَاءُ وَيَا بَيْضَاءُ غُرِّي غَيْرِي الْمَالُ يَعْسُوبُ الظَّالِمَةَ وَ
أَنَا يَعْسُوبُ الْمُؤْمِنِينَ»^۱

ای زردها و سپیدها(طلاها و نقره‌ها)! غیر مرا فریب
دهید، مال پیشوا و امیر ستمگران است و من پیشوای مؤمنان.
خود را خزانه دار خدا دانستن

امیرمؤمنان (علیه السلام) به یکی از استنادارانش نوشت:

تو حق نداری به دلخواه خود به مردم چیزی بگویی و
بدون دستور به کارهای دشوار اقدام نمایی.

«وَفِي يَدَيْكَ مَالٌ مِنْ مَالِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَأَنْتَ مِنْ خُزَّانِهِ حَتَّى
تُسَأَّلَهُ إِلَيْ»^۱

در دست تو مالی از اموال خداوند است و تو یکی از
خزانه داران اوایی تا آن را به دست من بسپاری.

امتحانی دشوار

بسیاری از عبادات است که برای برخی، عمل به آنها
مشکل است و در میان آنها، گذشتن از مال از همه مشکلتر به

۱ (نهج البلاغه نامه ۵)

نظر می‌آید و این خود یک آزمون و امتحان مهمی از سوی خداوند است. ولی باید دانست که بالاخره باید از این امتحان روسفید و سربلند بیرون آمد.

قال الصادق عليه السلام «مَا بَلَىَ اللَّهُ الْعِبَادَ بِشَيْءٍ أَشَدَّ عَلَيْهِمْ مِنْ إِخْرَاجِ الدَّرَاهِمِ»^۱

خداوند بندگان را به چیزی سخت‌تر از پرداخت حقوق مالی شرعی امتحان نکرده است.

همین کار مشکلی که برای بسیاری از وابستگان به دنیا سخت بود برای وارستگان از دنیا بسیار هم آسان و عملی بود همانطور که در سیره رسول خدا صلی الله علیه و آله گفته‌اند:

قال علی عليه السلام «كَانَ خَلِيلِي رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله لَا يَحْبِسُ شَيْئًا عَدِيٍّ»^۲
امیرمؤمنان عليه السلام می‌فرماید: دوستم رسول خدا صلی الله علیه و آله چیزی را برای فردا ذخیره نمی‌کرد.

۱ (بحارالانوار جلد ۷۰ صفحه ۱۳۹)

۲ (وسائل الشیعه جلد ۱۵ صفحه ۱۰۸)

درباره خود علی (علیه السلام) نقل شده که جمعه به جمعه اموال بیت المال را به مستحقان می‌داد.

برخورد علی (علیه السلام) با خائن به بیت المال

به علی (علیه السلام) خبر دادند که یکی از کارگزاران در مورد اموال بیت المال چنین و چنان کرده است. حضرت نامه‌ای نوشت که:

«وَلَيْسَ كَانَ مَا بَلَغَنِي عَنْكَ حَقًّا لَجَمَلُ أَهْلِكَ وَشِسْعُ نَعْلِكَ
خَيْرٌ مِنْكَ»^۱

اگر آنچه را که از خیانت تو به من رسیده است درست باشد، شتر و بند کفشت با ارزش‌تر از تو هستند.

آری در مکتب و حکومت علی (علیه السلام) که انسان‌ها ارزشمندند و شخصیت‌ها جایگاه والای خود را دارند اگر

۱ (نهج البلاغه، نامه ۷)

کارگزاری بخواهد با اموال بیت المال بازی کرده، در آنها خیانت کند حتی ارزش بند کفش هم ندارد.

سخن و توبیخ فوق از کسی صادر می‌شود که مظهر عدالت و تقوی است و عدالتش باعث شهادتش شد. سخن فوق از شخصیتی است که عبدالله بن عباس که استاندار او بود نقل می‌کند روزی حضرت مرا خواست. با بار شتری از اموال بیت المال به امر علی علیه السلام به کوفه آمدم. هنگام ورودم به خانه علی علیه السلام حضرت در خانه نبود. بار شتر که طلا و نقره و وجه نقد بود را گذاشتم و به بازار رفتم، دیدم علی علیه السلام در بازار است. احوالپرسی کردم و به همراه آن حضرت راه افتادم. چند قدمی که رفتیم شنیدم جارچی فریاد می‌زند: این شمشیر به دوازده درهم، این شمشیر به دوازده درهم. نگاه کردم، دیدم شمشیر علی علیه السلام است. به آقا گفتم: آقا شمشیر شما به سرقت رفته است؟ فرمود: نه، خودم گفتم بفروشدند. می‌خواهم پیراهن

بخرم، پیراهنم کهنه است. عرض کردم: فدایت شوم! خزانه مرکز و خزانه‌های استان‌ها پر است از درهم و دینارهایی که اختیارش با شماست، چگونه شمشیرتان را می‌فروشید که پیراهن بخرید؟! فرمود: اگر به اندازه پول پیراهنی به خود حق می‌دادم که از بیت المال بردارم شمشیرم که نقش حیاتی برای من دارد را نمی‌فروختم.

داستان

یکی از خدمتکاران رسول خدا ﷺ به نام «مدعم» در رکاب رسول خدا ﷺ در یکی از جنگ‌ها هدف تیر دشمن قرار گرفت و شهید شد. مسلمانان هم‌رمز کنار بدنش آمدند و گفتند: گوارا باد بر تو بهشت! ولی رسول خدا ﷺ چیزی نمی‌گفت و چهره مبارکش در هم بود. حاضران علت ناراحتی و خشم حضرت را جویا شدند، فرمود:

«كَلَّا. وَالَّذِي نَفْسُ مُحَمَّدٍ بِيَدِهِ! إِنَّ الشَّمْلَةَ لَتَلْتَهُبُ عَلَيْهِ نَارًا، أَخَذَهَا مِنَ الْعَنَائِرِ يَوْمَ خَيْبَرَ. لَمْ تُصِبْهَا الْمَقَاسِمُ»^۱

نه هرگز، سوگند به خداوندی که جان محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در دست اوست روپوش او هم اکنون وی را در میان آتش شعله‌ور خود می‌سوزاند چون آن لباس و روپوش را از بیت المال مسلمانان (بدون رعایت مقررات) و از روی خیانت برداشته بود.

نه دنیا، نه آخرت!

ابن حارث به دستور حضرت علی رَضِيَ اللهُ عَنْهُ منصب قضاوت داشت روزی به حضرت خبر رسید که او خانه‌ای خریده است به هشتاد دینار حضرت او را دعوت کرد و فرمود:

«يَا شَرِيحُ لَا تَكُونُ ابْتَعْتَ هَذِهِ الدَّارَ مِنْ غَيْرِ مَالِكَ أَوْ نَقَدْتَ

الَّذِينَ مِنْ غَيْرِ حَلَالِكَ فَإِذَا أَنْتَ قَدْ خَسِرْتَ دَارَ الدُّنْيَا وَدَارَ
الْآخِرَةَ»^۱

ای شریح بن حارث! مبدا که این خانه را جز با مال
خویش خریده باشی و بهای آن را جز از مال حلال خود
پرداخته باشی و گرنه هم در این دنیا و هم در آخرت زیان
کرده‌ای.

اگر مال از خودم بود، چنین نمی‌کردم:

به امیر مؤمنان (علیه السلام) پیشنهاد دادند که خوب است به
برخی از افراد سابقه دار در اسلام که هم اکنون نفوذی دارند
و خوب است که نگه داشته شوند وجه بیشتری از بیت المال
بپردازای تا به صف مخالفین نپیوندند، حضرت در جواب با
توبیخ فرمود:

۱ (نهج البلاغه نامه ۳)

«أَتَأْمُرُونِي أَنْ أَطْلُبَ النَّصْرَ بِالْجَوْرِ فِيمَنْ وُكِّتُ عَلَيْهِ»^۱

آیا به من پیشنهاد می‌کنید تا از راه ستم کردن، پیروزی

بدست بیاورم!؟

نه به خدا قسم تا دنیا دنیاست چنین کاری نمی‌کنم، اگر

مال از خودم هم بود به مساوات بین مردم تقسیم می‌کردم،

چه رسد به اینکه مال خدا و بیت المال مسلمین است.

بیت المال در دست اهل یا نااهل:

شخصی از مریدان امام ششم (علیه السلام) می‌گوید: به حضرت

عرض کردم: نعمت‌هایی که بنی عباس دارند را بیاد آوردم و

با خود گفتم اگر این نعمت‌ها در دست شما می‌بود ما هم با

شما خوش بودیم. امام صادق (علیه السلام) در جواب فرمود:

«هَيْهَاتَ يَا مُعَلَّىٰ أَمَا وَاللَّهِ أَنْ لَوْ كَانَ ذَاكَ مَا كَانَ إِلَّا سِيَّاسَةً
الَّيْلِ وَسِيَّاحَةَ النَّهَارِ وَبُئْسَ الْحَشِينِ وَأَكْلَ الْجُشْبِ»^۱

هیئات ای معلی! اگر این چنین می‌بود و ما حاکم بودیم
برای ما جز تدبیر شبانه و تلاش روزانه و پوشاک زبر و درشت
و خوراک سخت و بی‌خورش چیزی نبود یعنی ما با همین
روشی که زندگی می‌کنیم زندگی می‌کردیم و مال دنیا ما را به
خودش جذب و جلب نمی‌کرد و به نا حق به شما هم چیزی
نمی‌رسید

آری این ادامه همان راه جد بزرگوارش
امیرمؤمنان (علیه السلام) است که می‌گفت: اگر بخواهم از مغز گندم
و عسل مصفی استفاده کنم می‌توانم، لکن هیئات که من
سیر از غذا بخوابم و در قلمرو حکومت کسی سر گرسنه
بر بالین بگذارد. آری همین قلمرو حکومت روزی حاکمش

معاویه بود که از سفره‌های رنگارنگش دوست و دشمن انگشت حیرت به دندان می‌گزیدند ولی علی علیه السلام نان خشک جوینش را در کیسه‌ای ریخته و لاک و مهر کرده تا اینکه نکند فرزندان آن را از روی دلسوزی با روغن یا چیزی آغشته کنند!

بیزاری امام از متصرفان بیت المال

امام هشتم علیه السلام بیزاری جسته است از کسانی که:

- ۱- به آل محمد ظلم کرده‌اند.
- ۲- به پیمان‌ها پشت پا زده‌اند.
- ۳- بیت المال مسلمین را به خود اختصاص داده‌اند و از فقراء بیزار و بی‌اطلاع‌اند:

«وَالْبَرَاءَةُ مِنْ أَهْلِ الْإِسْتِثَارِ»^۱

۱ (عیون أخبار الرضا جلد ۲ صفحه ۱۲۶)

مصارف بی جا در بیت المال

امام صادق علیه السلام فرمود:

«إِيَّاكَ أَنْ تُعْطِيَ دَرَهَمًا أَوْ... إِلَّا أَعْطَيْتَ مِثْلَهُ فِي ذَاتِ اللَّهِ»^۱
 پرهیز از اینکه در غیر رضای خدا با شاعری یا لطیفه
 گویی یا دلکمی، درهمی ببخشی... هدیه دهی مگر آنکه
 همانندش را در راه خدا بخشش کنی!.

آنان که سهم حتمی در بیت المال دارند:

قال علی علیه السلام: «اللَّهُ اللَّهُ فِي الطَّبَقَةِ السُّفْلَى... وَاجْعَلْ لَهُمْ قِسْمًا
 مِنْ بَيْتِ مَالِكَ»^۲

خدا را، خدا را در نظر بگیر درباره گروه بیچارگان
 فرودست و آنان را از بیت المالی که در اختیار تو است، نصیبی
 بخش.

۱ (وسائل الشیعه جلد ۱۷ صفحه ۲۰۸)

۲ (نهج البلاغه نامه ۵۳)

بلی اگر کسانی که بی جا از بیت المال استفاده می‌کنند و اگر ریخت و پاش‌های بی‌مورد نشود و از اسراف و تبذیرها جلوگیری گردد و اگر در همین جامعه خود ما رهنمودهای امام خمینی رحمته‌الله و مقام معظم رهبری دامت‌ت‌الله در خصوص ساده زیستی عمل شود و اگر... به یقین طبقات مختلفی که سهمی در بیت المال دارند و به قول امیرمؤمنان علیه‌السلام طبقه پائین دست جامعه، به حق قانونی خود خواهند رسید.

علی علیه‌السلام در پیغامی به عبدالله بن عباس والی بصره پس از آنکه شنید که او فردی که چندان خوش نام نبود را عامل بصره کرده است، نوشت:

به خدا قسم، سوگندی راست! که اگر آگاه گردم که در مال مسلمانان به کم و بیش خیانت ورزیده‌ای چنان بر تو سخت گیرم که فقیر شوی و زیر بار تنگدستی قرار گیری و خوار و ذلیل گردی.

پیشنهاد علی (علیه السلام) به مالک اشتر:

قال علی (علیه السلام): «...ثُمَّ أَسْبَغْ عَلَيْهِمُ الْأَرْزَاقَ»^۱

در دستوری که به مالک اشتر نخعی درباره کارگزارانش می‌دهد می‌فرماید: (وقتی آنان را این چنین برگزیدی) باید که روزی آنها را فراخ گردانی که این کار آنان به صلاح خویشان بسی نیرومند گرداند و از خوردن اموالی که در اختیار دارند بی‌نیاز سازد و هرگاه از فرمان تو سرپیچی کنند یا در امانت خیانت نمایند با آنان اتمام حجت شده باشد.

این پیشنهاد مولای متقیان جلوی بهانه کسانی که به دلیل مخارج سنگین زندگی دست به غارت بیت المال می‌زنند را می‌گیرند. همچنانکه در مورد قاضی گفته‌اند باید حقوقش مکفی و جوابگوی مخارجش باشد تا رشوه نگیرد، این شخصی هم که بیت المال مسلمین را در اختیار دارد باید به

۱ (نهج البلاغه نامه ۵۳)

نحوی اداره شود که چشم طمع به دست این و آن و بخصوص به بیت المال مسلمانان نداشته باشد، گرچه انسان‌ها را طمع و حرص آنچنان بی‌مسئولیت می‌کند که به هر میزانی بدستشان بیاید، بیشتر می‌خواهند! لکن برای واگذاری مسئولیت تنها مسائل مالی کارساز نیست بلکه تهذیب نفس، دلسوزی، ایمان و خداترسی نیز لازمه کار است که در غالب کارگزاران دولت امیرمؤمنان (علیه السلام) این صفات بود.

دقت و ریزینی علی (علیه السلام):

روایتی از حضرت علی (علیه السلام) نقل شده است درباره خط زیبا که در آن روایت، حضرت می‌فرماید: حروف به هم نزدیک ولی سطرها را فاصله بیندازید که این در زیبایی خط دخیل است.

به یقین این سفارش در امور شخصی است و همین امام در نامه‌ای که به کارگزاران دولتش نوشته، دستور می‌دهد که:

«أَدِقُوا أَقْلَامَكُمْ وَ قَارِبُوا بَيْنَ سَطُورِكُمْ وَ احْذِفُوا عَنِّي
فُضُولَكُمْ وَ اقْصِدُوا قَصَدَ الْمَعَانِي وَ إِيَّاكُمْ وَ الْإِكْثَارَ فَإِنَّ أَمْوَالَ
الْمُسْلِمِينَ لَا تَحْتَمِلُ الْإِضْرَارَ»^۱

قلم‌های خود را نازک کنید و سطرها را نزدیک به هم
گیرید و زیادتی کلمات را حذف کنید و مقاصد و منظورها را
در نظر بگیرید! بر حذر می‌دارم شما را از پر حرفی و
پرنویسی، زیرا اموال مسلمانان نمی‌تواند این گونه خسارت‌ها
را تحمل کند.

علی علیه السلام والی آذربایجان اشعث را به دلیل مسامحه در
امور بیت المال از کار خود عزل نمود و فرمود: همین که نامه
و پیک من به تو رسید، به سوی ما بیا:

«وَاحْمِلْ مَا قَبْلَكَ مِنْ مَالِ الْمُسْلِمِينَ، إِنْ شَاءَ اللَّهُ»^۲

۱ (خصال جلد صفحه ۳۱۰)

۲ (مکاتیب الأئمة علیهم السلام جلد ۱ صفحه ۲۲۲)

و آنچه از اموال مسلمانان نزد تو می‌باشد همراه خود
بیاور، انشاء الله.

این بود شمه‌ای از روایات مربوط به امور بیت المال
مسلمین و قطره‌ای از دریای احادیث و نامه‌ها و سفارشات
ائمۀ دین در خصوص استفاده از اموال مسلمین به ویژه سیره
امیرمؤمنان علیه السلام در دوران کوتاه حکومت اسلامی‌اش.

لقمه‌های حرام دیگر

۱- مال زکات نداده

زکات اموال از واجبات دینی می‌باشد و هرگاه مال انسان به حد نصاب زکات رسید باید پردازد و اگر این واجب الهی اداء نگردد انسان در زمره سارقین به حساب می‌آید.

قال الصادق علیه السلام: «السَّرَّاقُ ثَلَاثَةٌ مَانِعُ الزَّكَاةِ وَ...»^۱

دزدها سه طایفه‌اند... یکی، کسانی که زکات نمی‌دهند...

قال الصادق علیه السلام: «لَا صَلَاةَ لِمَنْ لَا زَكَاةَ لَهُ»^۲

نمازی نیست برای کسی که زکات نمی‌دهد.

قال الرضا علیه السلام: «إِذَا حُبِسَتِ الزَّكَاةُ مَاتَتِ الْمَوَاشِي»^۳

۱ (بحار الانوار جلد ۱۰۰ صفحه ۱۴۶)

۲ (بحار الانوار جلد ۸۱ صفحه ۲۵۲)

۳ (بحار الانوار جلد ۷۰ صفحه ۳۷۳)

زمانی که زکات ترک و فراموش شود حیوانات و گوسفندان می‌میرند.

قال الصادق عليه السلام: «إِذَا قَامَ الْقَائِمُ أَخَذَ مَانِعَ الزَّكَاةِ فَضَرَبَ عُنُقَهُ»^۱

زمانی که حضرت مهدی علیه السلام قیام کند مانع الزکات را می‌گیرد و گردنش را می‌زند. البته این کار پس از اتمام حجت است و اثبات عناد آن شخص است

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله: «مَنْ مَنَعَ قِيْرَاطًا مِنَ الزَّكَاةِ فَلَيْمَتْ إِنْ شَاءَ يَهُودِيًّا أَوْ نَصْرَانِيًّا»^۲

کسی که یک قیراط از زکات را بدهکار باشد و ندهد در هنگام مرگ یا یهودی و یا نصرانی جان می‌دهد. البته روایات مربوط به مانع الزکات فراوان است که ما در اینجا بنای اشاره‌ای به اختصار داشتیم.

۱ (بحارالانوار جلد ۹۳ صفحه ۲۱)

۲ (بحارالانوار جلد ۹۳ صفحه ۲۰)

۲- مال بدست آمده از کم فروشی

قرآن مجید با اعلام خطر به افرادی که تقلب می‌کنند یعنی وقتی می‌خواهند بخرند پیمانه را پر می‌کنند و زمانی که بنا دارند بفروشند کم می‌گذارند آنها را از عذاب جهنم یا قرار گرفتن در چاهی از دوزخ بنام «وَيْل» بر حذر می‌دارد و می‌فرماید:

«وَيْلٌ لِّلْمُطَفِّفِينَ»^۱

وای بر کم فروشان!

قال علی عليه السلام: «إِذَا طَفَّفَتِ الْمَكَايِيلُ أَخَذَهُمُ اللَّهُ بِالسِّنِينَ وَ النَّقْصِ»^۲

زمانی که کم گذاشته شد در پیمانه‌ها، خداوند آنها را به کمبود ارزاق و قحطی مؤاخذه خواهد کرد.

۱ (مطففین ۱)

۲ (بحارالانوار جلد ۱۰۰ صفحه ۱۰۷)

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «عَبْنُ الْمُسْتَرْسِلِ رَبًّا»^۱

مغبون کردن کسی که کار را به انصاف ما وا گذاشته است
حکم گناه ربا را دارد.

آری گاهی مشتری به شخص فروشنده یا بازاری اعتماد
می‌کند و نوع و وزن و کیلو و متر و حتی نوع جنس را به
دلیل خاطر جمعی از گفته او قبول می‌کند و این کمال بی-
انصافی است که انسان با وجود چنین صداقتی با حیله و
نیرنگ با مشتری برخورد کند.

رسول خدا ﷺ به فروشنده‌ای تذکر می‌دهد که در هنگام
فروش جنس اولاً آن را وزن کن، ثانیاً مقداری سنگین بگیر تا
مدیون نباشی.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «يَا وَزَانَ! زِنْ وَأَرْجِحْ»^۲

۱ (بحار الانوار جلد ۱۰۰ صفحه ۱۰۴)

۲ (مستدرک الوسائل جلد ۱۳ صفحه ۲۵۴)

ای وزن کننده، دقیق وزن کن و مقداری هم رجحان بده،
(چرب‌تر وزن کن).

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «كَيْلُوا طَعَامَكُمْ فَإِنَّ الْبَرَكَةَ فِي الطَّعَامِ
الْمَكِيلِ»^۱

کیل و اندازه کنید طعام را زیرا برکت در طعام کیل شده است.

۳- مال حاصل شده از غش

عن علي بن أبي طالب: «الْغَشُّ مِنْ أَخْلَاقِ النَّارِ»^۲

امیرمؤمنان (علیه السلام) فرمود: غش نمودن از صفات و روش‌های
افراد پست و بی‌مقدار است.

کسی که با مسلمانی در معاملات غش و تقلب نماید در
لسان ائمه دین از جرگه دینداران و شیعیان خارج است.

۱ (وسائل الشیعه جلد ۱۷ صفحه ۴۴۰)

۲ (غزوالحکم فصل اول حدیث ۱۳۴۶)

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «لَيْسَ مِنَّا مَنْ غَشَّ مُسْلِمًا وَلَيْسَ مِنَّا مَنْ
خَانَ مُسْلِمًا»^۱

رسول خدا ﷺ فرمود: از ما نیست کسی که با مسلمانی
غش در معامله کند و یا نسبت به او خیانت روا دارد.
رسول خدا ﷺ کسانی که با مسلمانان غش در معامله
می‌کنند را در زمره یهود قلمداد فرموده است.

في مناهي الرسول ﷺ: «وَمَنْ غَشَّ مُسْلِمًا فِي شَرَاءٍ أَوْ بَيْعٍ
فَلَيْسَ مِنَّا وَيُحْشَرُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَعَ الْيَهُودِ لِأَنَّهُمْ أَغَشُّ الْخَلْقِ
لِلْمُسْلِمِينَ»^۲

در زمره چیزهایی که رسول خدا ﷺ از آنها نهی فرموده
این است که و کسی که غش کند مسلمانی را در خرید یا
فروش، پس از ما نیست و روز قیامت با یهودیان محشور

۱ (امالی صدوق صفحه ۲۷۰)

۲ (امالی صدوق صفحه ۴۲۹)

می‌شود زیرا یهودیان بیشترین خدعه و نیرنگ را با مسلمانان به کار بسته‌اند.

عن أبي عبد الله عليه السلام: «قال: نهى رسول الله صلى الله عليه وآله عن أن يشاب اللبنُ بالماءِ للبيع»^۱

امام صادق عليه السلام فرمود: نهی نمود پیامبر گرامی اسلام صلى الله عليه وآله از اینکه شیر را با آب مخلوط کنند و به مردم بفروشند.

رسول خدا صلى الله عليه وآله در بازار مدینه حرکت می‌کرد، خوراکی را دید که زیبا جلوه می‌کند. به فروشنده‌اش فرمود: طعامت خوب است، از قیمتش پرسید. سپس خطاب الهی آمد که دستت را در میان آن طعام و کالای زیبا فرو ببر. حضرت چنین کرد و نوع خراب و پست آن که در زیر بود آشکار شد. سپس خطاب به فروشنده‌اش فرمود: خیانت و غش نسبت به ملت مسلمان را با هم جمع کرده‌ای!

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «لَيْسَ مِنَّا مَنْ غَشَّ مُسْلِمًا أَوْ ضَرَّهُ أَوْ مَأْكْرَهُ»^۱

رسول خدا ﷺ فرمود: از ما نیست کسی که با مسلمانی غش کند یا به او ضرر برساند و یا نسبت به او مکر و خدعه نماید. بدترین مردم کسانی‌اند که نسبت به دوستانشان در معاملات غش می‌کنند. در لسان امیر مؤمنان علیه السلام از شخصی که غش در معامله می‌کند بعنوان بدترین فرد از مردم نام برده شده است:

قَالَ عَلِيُّ عليه السلام: «شَرُّ النَّاسِ مَنْ يُغَشُّ النَّاسَ»^۲

حلبی می‌گوید از امام صادق علیه السلام پرسیدم که مردی طعامی دارد دارای دو رنگ و قیمتی معین لکن یکی از آن دو رقم از دیگری بهتر است، اینها را مخلوط می‌کند و با قیمتی واحد می‌فروشد آیا جایز است یا خیر؟

۱ (وسائل الشیعه جلد ۱۷ صفحه ۲۸۴)

۲ (غررالحکم فصل ۴۱ حدیث ۶)

فقال الصادق عليه السلام: «لَا يَصْلِحُ لَهُ أَنْ يَفْعَلَ ذَلِكَ يَغُشَّ بِهِ
الْمُسْلِمِينَ حَتَّى يُبَيِّنَهُ»^۱

فرمود: جایز نیست که چنین کند، این غش نمودن نسبت
به مسلمان است مگر اینکه برای مشتریان بیان کند.
هشام می‌گوید: در سایه بازار پارچه‌ای به نام سابری
می‌فروختم، حضرت موسی بن جعفر عليه السلام به من رسید و
فرمود: ای هشام! فروش در سایه غش حساب می‌شود و
غش حلال نیست.^۲

رسول مکرم اسلام صلى الله عليه وآله از کنار مردی که طعام و خوراکی
را می‌فروخت و خوب و بد را مخلوط کرده بود گذشت،
فرمود: جدا کن و هر کدام را جداگانه در معرض بگذار. لیس
فی دیننا غش؛ در آئین ما غش ممنوع است.

۱ (کافی جلد ۵ صفحه ۱۸۳)

۲ (کافی جلد ۵ صفحه ۱۶۰)

۴- مال خمس نداده:

خمس از جمله دستورات دینی است که بر هر مسلمانی که معتقد و پایبند به مقررات اسلام می‌باشد هم اعتقاد به آن و هم در صورت لزوم پرداخت آن واجب است، و بدیهی است که اگر در مال انسان سهمی برای فقراء و محرومان باشد و پرداخته نشود، لقمه‌ی بدست آمده از این طریق لقمه‌ی حرام است و اثرات خود را می‌گذارد.

در حدیثی که از ناحیه مقدسه امام زمان (علیه السلام) صادر شده حضرت فرموده است:

«مَنْ أَكَلَ مِنْ أَمْوَالِنَا شَيْئاً فَإِنَّمَا يَأْكُلُ فِي بَطْنِهِ نَاراً وَسَيَصِلَى سَعِيرًا»^۱

کسی که از اموال ما (خمس) بخورد همانا آتش وارد شکم خود کرده و به زودی عذاب جهنم را خواهد چشید.

عَنْ سُمَاعَةَ قَالَ سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ عليه السلام عَنِ الْخُمْسِ
فَقَالَ عليه السلام «فِي كُلِّ مَا آفَادَ النَّاسُ مِنْ قَلِيلٍ أَوْ كَثِيرٍ»^۱

سماعه گفت: از امام کاظم علیه السلام درباره خمس پرسیدم،
فرمود: در هر چیز اندک و بسیاری که مردم از آن بهره می‌برند
خمس واجب است.

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: «مَنْ مَنَعَ حَقَّ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ أَنْفَقَ فِي
بَاطِلٍ مِثْلَيْهِ»^۲

امام صادق علیه السلام فرمود: هر که حقوق خدا را نپردازد
دوچندان آن مال را در باطل صرف خواهد نمود.

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: «النَّاسُ كُلُّهُمْ يَعْيشُونَ فِي فَضْلِ
مَطْلَبَتِنَا إِلَّا أَنَا أَحَلَّلْنَا شَيْعَتَنَا مِنْ ذَلِكَ»^۳

۱ (کافی جلد ۱ صفحه ۵۴۵)

۲ (وسائل الشیعه جلد ۹ صفحه ۵۰۶)

۳ (من لا یحضره الفقیه جلد ۲، صفحه: ۴۵)

راوی گفت: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می‌فرمود: همه مردم در حقوق پایمال شده ما (خمس) زندگی می‌کنند، جز آن که ما برای شیعیان خود آن را حلال کردیم.

محمد بن مسلم عن أبي جعفر عليه السلام قال: «سَأَلْتُهُ عَنْ مَعَادِنِ الذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ وَالصُّفْرِ وَالْحَدِيدِ وَالرَّصَاصِ فَقَالَ عَلَيْهَا الْخُمْسُ جَمِيعاً»^۱

محمد بن مسلم گفت: از امام باقر علیه السلام درباره طلا و نقره و مس و آهن و سرب پرسیدم، فرمود: در همه آنها خمس است.

عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ: «سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ: «لَا يُعَدَّرُ عَبْدٌ اشْتَرَى مِنَ الْخُمْسِ شَيْئاً أَنْ يَقُولَ يَا رَبِّ اشْتَرَيْتُهُ بِمَالِي حَتَّى يَأْذَنَ لَهُ أَهْلُ الْخُمْسِ»»^۲

اسحاق بن عمار گفت: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می‌فرمود: اگر کسی مالی بخرد که خمس آن داده نشده باشد و به خدا عرض

۱ (جامع احادیث الشیعه جلد ۸ صفحه ۵۳۳)

۲ (وسائل الشیعه جلد ۹ صفحه ۵۴۲)

کند: پروردگارا من آن را در عوض مالی خریدم، عذرش پذیرفته نیست تا وقتی که مستحقان خمس، اذن فروش ندهند.

۵- مال شخص جاهل به مسائل فقهی:

امیرمؤمنان علیه السلام به جمع بازاریان خطاب فرمودند:

«يَا مَعْشَرَ التَّجَارِ الْفِقْهَ ثُمَّ الْمَنْجَرَ الْفِقْهَ ثُمَّ الْمَنْجَرَ الْفِقْهَ ثُمَّ الْمَنْجَرَ»
الْمَنْجَرَ»^۱

برای اهمیتی که ندانستن مسئله در سرنوشت معاملات دارد و اموال را شبهه ناک و یا حرام می‌کند سه بار فرموده است: «اول فقه سپس تجارت» تا بخاطر ندانستن مسئله انسان به حرام نیفتد.

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: پنج شرط را باید در معاملات رعایت کنند و الا معامله و تجارت نکنند:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «مَنْ بَاعَ وَاشْتَرَى فَلْيَجْتَنِبْ خَمْسَ خِصَالٍ وَإِلَّا فَلَا يَبِيعَنَّ وَلَا يَشْتَرِيَنَّ الرَّبَا وَالْحَلْفَ وَكَيْمَانَ الْعَيْبِ وَالْمَدْحَ إِذَا بَاعَ وَالذَّمَّ إِذَا اشْتَرَى»^۱

کسی که فروشنده است یا خریدار باید از پنج چیز اجتناب کند و گرنه نباید بفروشد و نباید بخرد:

- ۱- ربا: پول یا جنسی را دادن و بیشتر از آن پول و جنس پس گرفتن بدون اینکه با آن کاری صورت گرفته باشد.
- ۲- قسم: برای فروش جنس و با خرید آن قسم بخورد.
- ۳- مخفی نگهداشتن عیب جنس: رنگ و لعاب به جنس بدهد تا عیب آن مخفی بماند.
- ۴- تعریف جنسی که می‌خواهد بفروشد: تعریف بیجا از جنس که خلاف واقع است و به آن تدلیس می‌گویند و حرام است.

۵- مذمت جنسی که می‌خواهد آن را بخرد.

بدون تردید در معاملات آن چه باید لحاظ شود آگاهی به رموز کسب و تجارت است. همچنان که افرادی برای فوت و فن کاسبی شاگردی می‌کنند و در خلال کسب هر روز و گاهی هر ساعت با بازارهای دیگر در تماسند تا اینکه ضرری عایدشان نشود در مسایل ظریف فقهی و برای دانستن مسائل عملی نیز باید شاگردی کرد و رساله عملیه را برای مراجعه هر روز و هر ساعت در اختیار داشت تا به حرام نیفتند.

قال علی علیه السلام: «أَزْكَى الْمَالِ مَا كُنُسِبَ مِنْ حِلِّهِ»^۱

بهترین مال‌ها مالی است که از راه حلال بدست بیاید.
بدیهی است که اگر انسان بخواهد از حرام و اثرات لقمه حرام نجات یابد. باید آگاه به مسائل دینی باشد و اگر مبالغاتی نداشت و به دام لقمه حرام افتاد عبادات دیگرش هم خراب

۱ (غررالحکم فصل ۸ حدیث ۱۲۸)

خواهند شد، و این نکته را نیز باید توجه داشت که اجتناب از حرام و لقمه حرام از زمره عبادات است:

قال الصادق عليه السلام: «تَرَكَ لُقْمَةً حَرَامًا أَحَبُّ إِلَيَّ اللَّهُ تَعَالَى مِنْ صَلَاةِ النَّبِيِّ رَكْعَةً تَطَوُّعًا»^۱

ترک کردن یک لقمه حرام محبوب‌تر است نزد خداوند از دو هزار رکعت نماز مستحبی.

شاید امروز کاسب یا تاجری از درآمدش لذتی ببرد و زندگی مرفهی به هم بزند لکن لقمه حرام کار خودش را می‌کند اگر چه در نسل و ذریه او باشد.

قال الصادق عليه السلام: «كَسَبُ الْحَرَامِ يَبِينُ فِي الذُّرِّيَّةِ»^۲

بدست آوردن مال حرام در سرنوشت ذریه و فرزندان انسان آشکار می‌شود.

۱ (بحار الانوار جلد ۹۰ صفحه ۳۷۳)

۲ (وسائل الشیعه جلد ۱۷ صفحه ۸۲)

از قَسَم و خلف وعده پرهیزید

شاید هم در بازارهای صدر اسلام این مسئله سوگند و خلف وعده، رواج داشته است همچنانکه امروز رواج دارد و لذا رسول خدا ﷺ اعلام خطر فرمودند برای کسبه و بازرگانان از این دو صفت ناپسند.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «وَيْلٌ لِتِجَارِ أُمَّتِي مِنْ لَا وَاللَّهِ وَبَلَى وَاللَّهِ وَ
وَيْلٌ لِصِنَاعِ أُمَّتِي مِنَ الْيَوْمِ وَغَدٍ»^۱

وای بر تجارت امت من از قسم‌های «لا و الله» و «بلی و الله» و وای بر صنعتگران امت من از امروز و فردا کردن.

بازار همیشه با مذهب هماهنگ بوده است و بازاریان هر تاریخی همانا قشر مذهبیون آن جامعه بوده‌اند و لذا اسلام برای بازار حرمت و عظمت خاصی قائل است و حرمت و حلیت بسیاری از چیزها را به دلیل سوق مسلمین، بازار

۱ (من لا یحضره الفقیه جلد ۳ صفحه ۱۶۰)

مسلمانان محاسبه می‌کند و به همین دلیل باید این قشر محترم بدانند که اگر مال حرام خوردند عباداتشان خدشه دار خواهد شد و به همان میزان از اعتبارشان کاسته خواهد گردید.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «الْعِبَادَةُ مَعَ أَكْلِ الْحَرَامِ كَالْبِنَاءِ عَلَى الرَّقْلِ»^۱
 رسول خدا ﷺ فرمود: عبادات کردن با خوردن مال حرام همانند بنایی است که پایه‌اش بر شن، و گفته شده است بر آب باشد!

در حدیثی از رسول خداست ﷺ که فرمود: هرگاه یک لقمه از حرام در شکم بنده‌ای قرار گرفت تمام ملائکه آسمان‌ها و زمین او را لعنت می‌کنند.^۲

حسرت فوق العاده

طبیعی است که انسان برای خود و فرزندانش زحمت می‌کشد و بدیهی است که از مال بدست آمده مقداری نصیب

۱ (عدة الداعی صفحه ۱۵۳)

۲ (بحار الانوار جلد ۱۰۳)

خودش می‌شود و بقیه را برای ورثه می‌گذارد، چقدر ضرر رسوایی است که مالی را برای انسان از حرام بدست آورده باشد و برای ورثه بگذارد و آنان پس از پدر و مادر آن مال را پاک کرده و سهم فقرا و ذوی الحقوق را بپردازند و بخاطر همین پول پدر به جهنم و فرزندان به بهشت بروند!

قال علی رضی الله عنه: «إِنَّ أَعْظَمَ الْحَسْرَاتِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ حَسْرَةُ رَجُلٍ كَسَبَ مَالًا فِي غَيْرِ طَاعَةِ اللَّهِ فَوَرَّثَهُ رَجُلًا فَأَنْفَقَهُ فِي طَاعَةِ اللَّهِ سُبْحَانَهُ فَدَخَلَ بِهِ الْجَنَّةَ وَدَخَلَ بِهِ الْأَوَّلُ النَّارَ»^۱

از بزرگترین حسرت و ندامت‌ها در روز قیامت این است که کسی مالی را در غیر راه رضای خدا بدست آورد، سپس وارث او آن را در طاعت خدا صرف کند، دومی به بهشت برود و اولی وارد جهنم گردد!!

در مال حرام برکتی نیست

بسیاری از افراد را حب مال کور و کر می‌کند و حرص و ولع در جمع آوری اموال دارند ولی باید دانست که گاهی مال اندکی برکت فراوان و مال فراوان برکتی ندارد.

امام هفتم علیه السلام به داود فرمود:

«إِنَّ الْحَرَامَ لَا يَنْمُو وَإِنَّ نَمَىٰ لَا يُبَارِكُ لَهُ فِيهِ»^۱

مال حرام نمو و رشدی ندارد اگر هم به ظاهر رشدی داشت، برکتی ندارد.

اثر لقمه حرام

شریک بن عبدالله از علماء بزرگ اهل سنت است. این دانشمند به دیدار خلیفه مهدی عباسی از خلفاء بنی عباس رفت، خلیفه او را تکریم کرد و تحویل گرفت و پس از تعارفات معموله به او پیشنهاد سه کار را داد:

یا قاضی پایتخت شود، یا معلم فرزندان خلیفه، یا دعوت خلیفه را برای صرف نهار بپذیرد.

شریک بن عبدالله که از آلوده شدن به کارهای دربار امتناع داشت سومین پیشنهاد را پذیرفت و خلیفه دستور داد غذایی خوش طعم و سفارشی برایش آوردند. پس از صرف غذا شخصی که خوان سالار دربار بود گفت: جناب شیخ دیگر آن معنویت قبلی را نخواهند داشت! و فضل بن ربیع می‌گوید: پس از خوردن این غذا هم منصب قضاوت و هم آموزش بچه‌های خلیفه و هم رفت آمد در دربار را پذیرفت!!

عن علی رضی الله عنه: «بَسَّ الطَّعَامُ الْحَرَامُ»^۱

امیرمؤمنان رضی الله عنه فرمودند: بد غذایی است غذای حرام.

دین را سرمایه کسب دنیا کردن

عده‌ای در کسب و تجارتشان سرمایه‌ای به اسم دین را در

معرض می‌گذارند و از آن سوءاستفاده می‌کنند. شخصی که در بازار مسلمین با ظاهری آراسته به زیور دین ربا می‌خورد، قسم دروغ می‌خورد، غش در معامله می‌کند و خلاصه با تسبیح و سجاده و دلق دنیای خویش را تأمین می‌کند. به گفته روایت «مُسْتَاكِلٌ بِدِينِهِ» می‌باشد و باید بداند که عاقبتی در انتظار اوست و عذاب اخروی تلافی عیش دنیایش را خواهد نمود.

قال علی عليه السلام: «الْمُسْتَاكِلُ بِدِينِهِ حَظُّهُ مِنْ دِينِهِ مَا يَأْكُلُهُ»^۱

کسی که به وسیله دین (سوء استفاده از آن) روزی می‌خورد حظ و بهره‌اش همان لقمه‌ی دنیاست که نصیب او شده (و در آخرت مکافات می‌شود).

گاهی عده‌ای تن پرور و بیکار به اسم سیادت و انتساب به رسول خدا صلی الله علیه و آله از مردم وجوهی می‌گیرند که استحقاق واقعی ندارند و مستحقینی در این رابطه محروم می‌مانند که

این کار توهین به شخص رسول خدا ﷺ و قوانین حیاتبخش اسلام و مایه بدبینی افراد به دین خدا می‌شود.

قال الرضا عليه السلام: «لَا تَأْكُلُوا النَّاسَ بِآلِ مُحَمَّدٍ فَإِنَّ التَّكْلَ بِهِمْ كُفْرٌ»^۱

به وسیله و به بهانه آل محمد اموال مردم را نخورید که گناهش در سرحد کفر است.

کسانی که برای بدست آوردن مال دنیا از مکتب و مذهب خود می‌گذرند و مایه بی‌رونقی بازار دین می‌گردند آتش جهنم در انتظار آنان است:

قال علی عليه السلام: «عَامِلُ الدِّينِ لِلدُّنْيَا جَزَاءُهُ عِنْدَ اللَّهِ النَّارُ»^۲

کسی که کار و عملی از امورات دینی را برای کسب دنیا انجام دهد جزا و پاداشش در پیش خدا، آتش است.

درباره قرائت قرآن برای پول در بیان رسول خدا ﷺ آمده

۱ (بحارالانوار جلد ۷۵ صفحه ۳۴۷)

۲ (غررالحکم فصل ۵۵ حدیث ۵۷)

است که اگر قرآن قرائت می‌کنید برای خدا باشد و مزد آن را از او بخواهید و فرمود:

«يَقْرَأُ وَنَ الْقُرْآنَ وَيَسْأَلُونَ بِهِ النَّاسَ»^۱

بزودی کسانی قرآن را برای کسب مال از مردم خواهند خواند.

پیام علی علیه السلام به بازار مسلمین

سفارشات دوازده گانه حضرت علی علیه السلام به بازاریان:

- ۱- با طلب خیر و نیت خیر به بازار بروید.
- ۲- از آسان گرفتن به مردم، برکت بخواهید.
- ۳- دل‌ها در خرید و فروش به هم نزدیک باشد.
- ۴- با حلم و بردباری زینت بگیرید.
- ۵- از قسم خوردن پرهیزید.
- ۶- از دروغ اجتناب کنید.
- ۷- از ظلم کردن بترسید.

۸- با مظلومان رحم و انصاف داشته باشید.

۹- اطراف ربا نروید.

۱۰- کیل و پیمانہ را کامل کنید.

۱۱- روی جنس دیگران عیب نگذارید.

۱۲- در زمین فساد نکنید.

در اثر سوء لقمه‌ی حرام همین بس که لشکریان عمر سعد در کربلا در صف مقابل حجت خدا، امام حسین علیه السلام به دلیل خوردن مال حرام آنچنان قساوتی از خود نشان دادند که تاریخ هرگز فراموش نخواهد کرد.

قال الحسين علیه السلام فی یوم عاشوراء:

«فَقَدَّمَلَيْتَ بَطُونَكُمْ مِنَ الْحَرَامِ وَطَبَعَ عَلَى قُلُوبِكُمْ»^۱

پر شده شکم‌هایتان از حرام، پس مهر زده است خدا بر

دل‌هایتان.

وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

فهرست:

- ۷ لقمه‌ی حرام و آثار آن
- ۸ لقمه‌ی حرام در قرآن
- ۹ مال حرام و عبادت
- ۱۰ بهشت بر حرامخوار حرام است
- ۱۱ لقمه‌ی حرام و لعنت ملائکه
- ۱۲ پاداش چشم پوشی از مال حرام
- ۱۴ مال یتیم در قرآن
- ۱۷ به مال یتیم نزدیک نشوید:
- ۱۸ خوردن مال یتیم آتش است:
- ۲۰ رشوه
- ۲۱ رشوه در روایات
- ۲۱ رشوه، گناه کبیره:



- ۲۲..... رشوه توجیه بردار نیست:
- ۲۲..... داستان اشعث
- ۲۵..... رشوه لقمه‌ای حرام:
- ۲۶..... رشوه هم طراز کفر
- ۲۷..... آتش سزای رشوه
- ۲۷..... رُعب و وحشت نتیجه رواج رشوه:
- ۲۸..... شراب
- ۲۹..... شراب از نظر قرآن
- ۳۳..... حکم قطعی ولی تدریجی:
- ۳۷..... شراب در لسان احادیث
- ۴۴..... شراب از نظر فقه
- ۴۵..... شراب از دیدگاه دانشمندان
- ۵۷..... قمار
- ۶۲..... تاریخچه قمار
- ۶۵..... قمار از نظر روایات



- ۶۷ قمار از نظر فقه
- ۶۹ ربا
- ۷۲ فرق بیع و ربا
- ۷۴ ربا یا شیپور جنگ با خدا:
- ۷۸ اثرات سوء ربا در آیات و روایات
- ۸۶ ضررهای دیگر ربا:
- ۸۷ تاریخ ربا و سبب پیدایش آن:
- ۹۱ علت‌های حرمت ربا:
- ۹۴ نکاتی در احکام ربا:
- ۹۶ فهرست انواع مبادلات:
- ۱۰۱ رباخوار و اموال ربوی در حکم فقهی:
- ۱۰۳ ربا در روایات:
- ۱۰۷ راه‌های پیشگیری از ربا:
- ۱۱۰ احتکار
- ۱۱۱ مفهوم احتکار:

- ۱۱۳ حکم اموال احتکاری: حکم اموال احتکاری: ۱۱۳
- ۱۱۴ ظرف زمانی احتکار: ۱۱۴
- ۱۲۱ مجازات محتکر: ۱۲۱
- ۱۲۲ احتکار در روایات: ۱۲۲
- ۱۲۸ تصرف بیجا در بیت المال: ۱۲۸
- ۱۳۱ بخشش در بیت المال: ۱۳۱
- ۱۳۱ خیانت در بیت المال: ۱۳۱
- ۱۳۶ امتحانی دشوار: ۱۳۶
- ۱۳۸ برخورد علی علیه السلام با خائن به بیت المال: ۱۳۸
- ۱۴۱ نه دنیا، نه آخرت!: ۱۴۱
- ۱۴۳ بیت المال در دست اهل یا نااهل: ۱۴۳
- ۱۴۵ بیزاری امام از متصرفان بیت المال: ۱۴۵
- ۱۴۸ پیشنهاد علی علیه السلام به مالک اشتر: ۱۴۸
- ۱۵۲ لقمه‌های حرام دیگر: ۱۵۲
- ۱۵۲ ۱- مال زکات نداده: ۱۵۲



- ۲- مال بدست آمده از کم فروشی ۱۵۴
- ۳- مال حاصل شده از غش ۱۵۶
- ۴- مال خمس نداده: ۱۶۱
- ۵- مال شخص جاهل به مسائل فقهی: ۱۶۴
- اثر لقمه حرام ۱۷۱